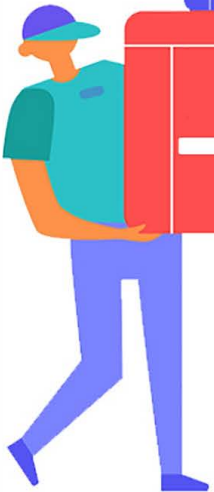


خرید کتاب های کنکور

با تخفیف ویژه

و ارسال رایگان

Medabook.com



مدابوک



دریافت برنامه ریزی و مشاوره

از مشاوران رتبه برتر

هوش کنکوری آیدی نوین

۰۲۱ ۲۸۴۲۵۴



زبان و ادبیات فارسی

- ۱ (۲) معنی درست واژه: اَبْرَش: اسبی که دارای پوست خال دار یا رنگ به رنگ (به ویژه سرخ و سفید) است. (ابلق: اسبی که به دو رنگ سیاه و سفید باشد). (تغییر جزئی)
- ۲ (۱) بررسی سایر گزینه‌ها:
- ۳ (۲) ۲) قدوم: آمدن، قدم نهادن / ۳) اعراض: روی برگرداندن / ۴) مُنْكَر: زشت (منکر: انکارکننده) / جَبَب: گریبان، یقه (جبهه: پیشانی) (تغییر جزئی)
- ۴ (۳) معنی درست واژه‌ها: بی‌گاه: دیر، بی‌هنگام (بیگاه شدن: فرا رسیدن هنگام غروب یا شب) (یکایک: ناگهان) / سَموم: باد بسیار گرم و زیان‌رساننده (تغییر جزئی)
- ۵ (۴) ۴) املاي درست واژه‌ها: الف) مخذول: خوار، زبون‌گردیده / ب) طباع: سرشت‌ها، خوی‌ها (ریاضی ۹۴)
- ۶ (۳) ۵) املاي درست واژه: فراق: دوری، هجران (فراق: آسایش) (ریاضی ۹۴)
- ۷ (۱) ۶) املاي درست واژه‌ها:
- ۸ (۳) ۷) خوار: بی‌ارزش (خار: تیغ) / مَهْمَل: بیهوده، رهاشده (مَحْمِل: کجاوه) / گذاردن: ترک کردن، رها کردن (گزاردن: ادا کردن، به‌جا آوردن) (تغییر کلی)
- ۹ (۴) ۸) بررسی آثار:
- از پاریز تا پاریس: محمدابراهیم باستانی پاریزی
اسرارنامه: عطّار
اسرارالتوحید: محمد بن منوّر
بخارای من ایل من: محمد بهمن‌بیگی (تغییر کلی)
- ۱۰ (۴) ۹) تضاد (بیت «د»): بُعد و دوری ≠ وصال
ایهام (بیت «الف»): بو: ۱- رایحه ۲- امید و آرزو
تناقض (بیت «ه»): دام نجات
تشخیص (بیت «ج»): نسبت دادن حیا کردن و نشستن به سرو
حسن تعلیل (بیت «ب»): شاعر دلیل نیامدنش به کوی معشوق را این می‌داند که اشک‌های فراوانش در هجر یار، راه آمدنش را سد کرده است. (ریاضی ۹۴)
- ۱۱ (۴) ۱۰) تشبیه: صحرای هوس (اضافه تشبیهی)
استعاره: جان‌بخشی به دل تشخیص و استعاره است.
کنایه: سر در هوا بودن معادل کنایه حواس‌پرت بودن
تشبیه: آن چه به ماتم / آن چه به سور / دار به نخل / دار به رایث
ایهام تناسب: منصور: ۱- پیروز، یاری‌شده (معنی درست) ۲- حسین بن منصور حلاج (تناسب با دار)
دار: ۱- چوبی که مجرمان محکوم به مرگ را از آن حلق‌آویز می‌کنند. (معنی درست) ۲- درختی که میوه نمی‌دهد. (تناسب با نخل)
نخل: ۱- تابوت (معنی درست) ۲- درخت خرما (تناسب با دار)
تناقض: سور دانستن ماتم / رایث دانستن دار و نخل
تلمیح: اشاره به داستان به دار کشیده شدن حسین بن منصور حلاج (ریاضی ۹۴)
- دَقْت کنیم! با توجه به این‌که پیام دو مصراع، معادل یک‌دیگر است، برای درک تناقض در «رایث دانستن دار و نخل»، لازم است معانی مختلف نخل (درخت خرما، تابوت) را بررسی کنیم و با بررسی معانی نخل، به معانی مختلف دار (چوبه اعدام، درخت) هم توجه کنیم و با در نظر گرفتن معانی این دو واژه، ایهام تناسب‌هایی علاوه بر ایهام تناسب در واژه «منصور» آشکار می‌شود؛ چنان‌که در شرح پاسخ اشاره کردیم یکی از معانی نخل، «تابوت» است که نشانه ماتم و سوگواری است و در این معنی، با «رایث» (پرچم) که نشان سرافرازی و نشاط و پیروزی است، تقابل دارد.
- تشبیه (بیت «ج»): تشبیه شکن طره معشوق به دام / طره هندو (اضافه تشبیهی): تشبیه طره به هندو
تشخیص (بیت «ه»): این‌که اشک بتواند منت خاک در معشوق را بپذیرد - درحالی‌که «خاک همه درها» زیر بار منت اشک هستند - و همین‌طور نسبت دادن منت به آن، تشخیص به‌شمار می‌رود.
- تلمیح (بیت «د»): اشاره به آیه شریفه ﴿إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ الْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَ أشفَقْنَ مِنْهَا وَ حَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا﴾
مجاز (بیت «الف»): جام مجاز از شراب
کنایه (بیت «ب»): نقش چیزی را بر آب زدن، کنایه از نابود کردن و محو کردن آن / خود پرستیدن کنایه از مغرور بودن / نقش چیزی را خراب کردن کنایه از نابود کردن آن (نقش خودپرستی را خراب کردن کنایه از ترک خودپرستی) (زبان ۹۰)

[گزینه] درست را مشخص کن:

۳۳ (۴)

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) «لِتَعْتَمِدْ» فعل امر غایب از صیغۀ «لِلغائبة» است و فاعلش «القدرة» می‌باشد. (باید + مضارع التزامی)

ترجمۀ درست: قدرت قبل از هر چیزی باید بر عقل تکیه کند.

(۲) «با اینکه» در عبارت عربی معادلی ندارد؛ «چیزها را» باید به صورت «از چیزها» ترجمه شود؛ «لَیْسَتْ فِي ذَاكِرْتَنَا» به صورت «مضارع اخباری منفی» ترجمه شده که به طور کلی نادرست است.

ترجمۀ درست: خیلی از چیزها را می‌دانیم ولیکن (ولی) [آن‌ها] در حافظۀ ما نیستند.

(۳) «الأسرة» مفرد است، در صورتی که به صورت جمع ترجمه شده است؛ «مؤثرة كثيراً» به نادرست به صورت ترکیب وصفی «تأثیر فراوانی» ترجمه شده است؛ ضمیر «ها» در «أبنائهما» به «الأسرة» برمی‌گردد که مفرد است، پس باید به صورت «فرزندانش» ترجمه شود؛ «خواهند داشت» که فعل مستقبل است، در عبارت عربی معادلی ندارد.

ترجمۀ درست: بدون تردید، خانواده در تربیت فرزندانش بسیار مؤثر است.

(تغییر جزئی)

[گزینه] نادرست را مشخص کن:

۳۴ (۲)

إِنَّمَا الْعَزَّةُ لِلَّهِ و لرسوله ... فقط عزت از آن خدا و پیامبرش ... ← عزت فقط از آن خدا و ... («إنما» که از «إِنَّ» + «ما» تشکیل شده است، از ادوات حصر است، و در ترجمه به صورت «فقط / تنها» ترجمه می‌شود. ضمناً همواره پس از آن - اگر اسمی بیاید - مبتدا می‌آید و پس از آن خبر؛ نکته مهم این است که در جملات اسمیه (مبتدا + خبر)، «إنما» جزء دوم را مورد تأکید قرار می‌دهد، به عبارت دیگر، واژه تأکیدی «فقط» پس از مبتدا و قبل از خبر واقع می‌شود، ضمناً ضمیر «ه» در «رسوله» در ترجمه لحاظ نشده است.

(تغییر کلی)

[گزینه] درست را مشخص کن:

۳۵ (۲)

بررسی سایر گزینه‌ها:

دیدم: شاهدت، رأيت «دیدم» فعل ماضی «اول شخص مفرد» (للمتكلم وحده) است و باید به همان صورت «ماضی» تعریف شود. در گزینه‌های (۲) و (۴)، به ترتیب «أشاهد» و «یری» مضارع هستند. [رد گزینه‌های (۲) و (۴)]

از قصیده: من القصيدة «قصیده» در فارسی بدون علامت نکره است، بنابراین باید با «ال» تعریف شود، یعنی «القصيدة»؛ در گزینه‌های (۱) و (۲) به صورت «نکره» تعریف شده است و در گزینه (۴)، «هذه» زائد است و معادلی در عبارت عربی ندارد. [رد سایر گزینه‌ها]

حفظ کرده: قد حفظت، [قد حفظ] «حفظ کرده» در اصل به صورت «حفظ کرده است» می‌باشد که «ماضی نقلی» است و معادل آن در عربی، ترکیب «قد + فعل ماضی» است. در گزینه‌های (۱) و (۲)، به ترتیب فعل‌های مضارع «يحفظ» و «تحفظ» نادرست هستند. [رد گزینه‌های (۱) و (۲)]

من هم ... حفظ کردم: أنا كذلك حفظت، أنا أيضاً حفظت «هم» در عربی به صورت «أيضاً» و «كذلك» تعریف می‌شود؛ و «حفظ کردم» هم که یک فعل ماضی اول شخص مفرد است، به صورت «حفظت» تعریف می‌شود. در گزینه (۱)، به اشتباه به صورت مضارع «أحفظ» تعریف شده، و در گزینه (۴)، «هو»

(تغییر جزئی)

و «حَفِظَ» نادرست هستند. [رد گزینه‌های (۱) و (۴)]

■ متن زیر را بخوان، سپس به سوالات (۳۶ - ۴۲) با آنچه که مناسب متن است، پاسخ بده:

(تقریبی ۹۴)

ترجمۀ درک مطلب:

المألوف أن يشكر الإنسان أصدقاءه (مرسوم است که انسان از دوستانش تشکر کند) لأتّهم عونٌ له على مصائب الدهر (زیرا آن‌ها کمکی برای او هستند در مصیبت‌های روزگار) و بهم يبتهج الإنسان و يأنس، (و به وسیله آن‌ها انسان شاد می‌شود و انس می‌گیرد)، و كذلك قد تعود الإنسان (و همچنین انسان عادت کرده است) أن يهرب من عدوه (که از دشمنش فرار کند) و ممن ينقده و يشتمه و يذمه! (و (نیز) از کسی که او را نقد می‌کند و دشنامش می‌دهد و سرزنشش می‌کند). ولكن بسبب أنّ عين الصديق (ولی بدین سبب که چشم دوست) لا ترى معايب صديقه، (عیب‌های دوستش را نمی‌بیند)، حيث إنّ عين المحبّة تستر هذه المعايب، (به طوری که چشم محبت، این عیب‌ها را می‌پوشاند)، فالنتيجة هي بقاء الصديق على عيوبه! (پس نتیجه همان باقی ماندن دوست بر عیب‌هایش است). أمّا عين العدو فهي حريصة على البحث عن السيئات لتعلنها. (اما چشم دشمن حریص بر جست‌وجوی بدی‌هاست تا آن‌ها را آشکار سازد). فلذلك نضطرّ إلى اجتناب العيوب (به همین علت مجبور هستیم از عیب‌ها دوری کنیم) حتى لا يقوم العدو بإفشاءها (تا این‌که دشمن به فاش کردن آن‌ها اقدام نکند) ليجعلها وسيلة للسيطرة علينا؛ (تا آن‌ها را وسیله‌ای برای تسلط بر ما قرار دهد؛ و من فهم أنه يمكن أن يخطأ (و هرکس بفهمد که او ممکن است اشتباه کند) يبحث عمّن يذكره! (دنبال کسی می‌گردد که به او یادآوری کند). و من نتائج مراقبة العدو (و از نتایج مراقبت دشمن) على كلّ صغيرة و كبيرة منّا (بر هر کوچک و بزرگی از ما) أننا نزيد إشرافنا (این است که زیاد می‌کنیم نظارت‌مان را) على إصلاح أنفسنا و تهذيب أخلاقنا. (بر اصلاح خودمان و پیرایش اخلاقمان). فهذه الرؤية إذا قويت (پس این دیدگاه اگر تقویت شود) و اعتقد بها جميع أفراد الأمة (و اعتقاد داشته باشند به آن تمام افراد امت) من الرؤساء و الكتّاب و ... تقدّمتم البلاد! (از جمله رؤیسان و نویسندگان و ... کشور پیشرفت می‌کند).

- ۵۶ (۴) خداوند قوه و نیروی عقل را به ما انسان‌ها عنایت کرده تا با آن بیندیشیم و راه درست زندگی را از راه‌های غلط تشخیص دهیم و آیه شریفه «و می‌گویند: اگر ما گوش شنوا داشتیم یا تعقل می‌کردیم، در میان دوزخیان نبودیم» مؤید کارایی قوه تعقل و اندیشه است. (زبان ۹۸ نظام قریم منطبق بر نظام جدید - تغییر جزئی)
- ۵۷ (۴) با توجه به عبارت قرآنی ﴿قُلْ فَأَتُوا بِسُورَةٍ مِّثْلِهِ﴾: «بگو: اگر می‌توانید یک سوره همانند آن را بیاورید»، هرکس در الهی بودن قرآن شک دارد، باید سوره‌های مشابه آن بیاورد. باید دقت شود که در گزینه (۳) به ناتوانی موجودات در آوردن مثل قرآن اشاره شده است. (تغییر جزئی)
- ۵۸ (۱) با توجه به انتهای حدیث «سلسله‌الذهب» که امام رضا (ع) فرمود: «بشروطها و أنا من شروطها»، قبول ولایت امامان معصوم (ع) و اطاعت از ایشان شرط تحقق حدیث معرفی شده است. لذا با آیه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأَطِيعُوا أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾: «ای مؤمنان، از خدا اطاعت کنید و از رسول و ولی امرتان اطاعت کنید». ارتباط معنایی دارد. هم‌چنین به علت توالی اسامی امامان، این حدیث به نام «سلسله‌الذهب» یا همان زنجیره طلایی مشهور شده است. (تغییر جزئی)
- ۵۹ (۳) مطابق کلام امام صادق (ع) در توصیف یاران امام زمان (عج): «یاران مهدی مردمانی مقاوم، سرشار از یقین به خدا و استوارتر از صخره‌ها هستند...». این فرموده به یکی از مسئولیت‌های منتظران، یعنی «آماده کردن خود و جامعه برای ظهور» اشاره دارد و کسانی این آمادگی را خواهند داشت که قبل از ظهور آن امام، در صحنه فعالیت‌های اجتماعی و نبرد دائمی حق و باطل، در جبهه حق، حضوری فعال داشته باشند. (انسانی ۹۴)
- ۶۰ (۱) با اعتقاد الهی نسبت به مرگ، یعنی: ﴿مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا﴾: «هر کس به خدا و روز قیامت ایمان آورد و کار شایسته انجام دهد»، پنجره امید و روشنایی به روی انسان باز می‌شود و شور و نشاط و انگیزه فعالیت و کار، زندگی را فرامی‌گیرد: ﴿فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾: «پس نه ترسی بر آنان است و نه غمگین می‌شوند». (فارح انسانی ۹۸ نظام قریم منطبق بر نظام جدید)
- ۶۱ (۲) براساس ترجمه آیه: «در آن روز (قیامت) به انسان خبر داده می‌شود به آن چه پیش [از مرگ] فرستاده و آن چه پس [از مرگ] فرستاده است»، آیه ذکر شده مربوط به عالم قیامت: ﴿يَوْمَئِذٍ﴾ می‌باشد که انسان در آن، از آثار ماتقدم و متأخر اعمالش آگاهی می‌یابد. آثار متأخر به آثار اعمال انسان پس از مرگ او در برزخ گفته می‌شود و از این جهت این آیه به ارتباط بین عالم برزخ و دنیا اشاره دارد. (تغییر جزئی)
- ۶۲ (۴) عبارت «مگر پیامبران برای شما دلایل روشنی نیاوردند؟»، پاسخ فرشتگان نگهبان جهنم به درخواست تخفیف جهنمیان در قیامت است. پس از مرگ انسان، در عالم برزخ، علی‌رغم توقف فعالیت‌های حیاتی بدن، روح هم‌چنان به فعالیت آگاهانه خود ادامه می‌دهد. (تغییر جزئی)
- دلیل نادرستی گزینه‌های (۱) و (۲): حقیقت وجود انسان، فقط روح اوست، نه جسم.
- ۶۳ (۱) در عبارت ﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ﴾ لفظ ﴿اللَّهُ﴾ به توحید ذاتی و توحید نظری که شامل خالقیت و ربوبیت است، اشاره دارد. لفظ ﴿الله﴾ به معنای معبود، به توحید عملی اشاره می‌کند. لفظ ﴿لَيَجْمَعَنَّكُمْ﴾ بر جمع کردن همه انسان‌ها اعم از جسم و روح در قیامت (معاد جسمانی و روحانی) تأکید دارد. در دومین آیه شریفه ذکر شده، کلیدواژه ﴿فَاتَّبِعُونِي﴾ به مفهوم لزوم تبعیت و اطاعت اشاره دارد که بیانگر توحید عملی است. (تغییر جزئی)
- ۶۴ (۳) یکی از جلوه‌های توفیق الهی، نصرت و هدایت الهی به دنبال تلاش و مجاهدت انسان است. خداوند، انسان تلاشگر و مجاهد را حمایت می‌کند، دست او را می‌گیرد و با پشتیبانی خود، او را به پیش می‌برد. قرآن کریم در این‌باره می‌فرماید: «و کسانی که در [راه] ما تلاش و مجاهده کنند حتماً آنان را به راه‌های خود هدایت می‌کنیم». (انسانی ۹۴)
- ۶۵ (۴) رسول خدا (ص) به رسالت برانگیخته شده بود تا جامعه‌ای تشکیل دهد که در آن، به جای حکومت ستمگران و طاغوتیان، ولایت الهی حاکمیت داشته باشد و نظام اجتماعی بر پایه قوانین و دستورات الهی تنظیم گردد. این مفهوم در آیه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأَطِيعُوا أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾: «ای مؤمنان، از خدا اطاعت کنید و از رسول و ولی امرتان اطاعت کنید». بیان شده است. (تغییر جزئی)
- ۶۶ (۴) از قرآن کریم به دست می‌آوریم که: حجاب زنان مسلمان، سبب می‌شود که زن به عفاف و پاکی شناخته شود و افراد بی‌بندوبار که اسیر هوی و هوس خود هستند، به خود اجازه تعرض به او را ندهند. این مفهوم در آیه مبارکه ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ﴾: «ای پیامبر، به زنان و دختران و به زنان مؤمنان بگو پوشش‌های خود را به خود نزدیک‌تر کنند؛ این برای آن‌که به [عفاف] شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند، بهتر است». بیان گردیده است. (فارح ۸۹ - تغییر جزئی)
- ۶۷ (۴) یکی از آثار محبت به خدا و راه‌های افزایش آن «بیزاری از دشمنان خدا و مبارزه با آنان» است و این موضوع در آیه شریفه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخِدُوا عَدُوِّي وَعَدُوِّيكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ﴾: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید دشمن من و دشمن خودتان را دوست نگیرید [به گونه‌ای که] با آنان مهربانی کنید، حال آنکه آنان به دین حقی که برای شما آمده است، کفر ورزیده‌اند» تجلی دارد؛ زیرا نمی‌شود کسی دوستدار خداوند (سرچشمه فضیلت‌ها و کرامت‌ها) باشد و زشتی و ستم را در جامعه ببیند و سکوت اختیار کند. (فارح ۹۸ نظام قریم منطبق بر نظام جدید - تغییر جزئی)
- ۶۸ (۲) گناه، آلودگی است و توبه، پاک‌سازی از آلودگی‌هاست. توبه، گناهان را از قلب خارج می‌کند و آن را شست‌وشو می‌دهد. این عمل را «پیرایش» یا «تخلیه» می‌گویند. به همین دلیل است که رسول خدا (ص) می‌فرماید: «التَّائِبُ مِنَ الذَّنْبِ كَمَنْ لَا ذَنْبَ لَهُ»: «کسی که از گناه توبه کرده، مانند کسی است که گناه نکرده است». (تغییر جزئی)

شیلا ناراحت است چون که بیشتر عکس‌هایی که در جشن تولدش گرفته شده بودند، تار هستند.

۷۹ (۱)

توضیح: با توجه به کاربرد اسم غیر انسان (photographs) پیش از جای خالی و فعل (had been taken) پس از آن، ضمیر موصولی حالت فاعلی برای غیر انسان دارد و در جای خالی می‌توان از which یا that استفاده کرد.

(تغییر جزئی)

یک معلم اغلب وقتی که دانش‌آموزانش سخت کار می‌کنند و به چیز مهمی دست پیدا می‌کنند به آن‌ها مفتخر می‌شود.

۸۰ (۱)

(۱) به ... مفتخر، سربلند از (۲) شرمنده از (۳) متأسف برای (۴) پشیمان برای
لوله‌هایی که مایعات، به‌خصوص خون را در بدن جابه‌جا می‌کنند رگ نامیده می‌شوند.

(تغییر جزئی)

۸۱ (۲)

(۱) فشار (۲) مایع (۳) گنج (۴) سوخت
دولت برای از بین بردن فقر و بالا بردن استانداردهای زندگی تعدادی برنامه دارد.

(تغییر جزئی)

۸۲ (۴)

(۱) [در فرهنگ لغت و غیره] مدخل؛ محل ورود (۲) حقیقت، واقعیت (۳) مورد، نمونه (۴) برنامه، طرح
وقتی شما حل جدول کلمات متقاطع را به پایان برسانید، می‌توانید راه‌حل را در صفحه پشتی ببینید.

(تغییر جزئی)

۸۳ (۱)

(۱) راه‌حل (۲) تشعشع (۳) عفونت (۴) بخش، قسمت
این دوره در پی کمک به معلمان است تا فرا بگیرند چه‌طور به نحو مؤثری با فراگیران جوان ارتباط برقرار کنند.

(تغییر کلی)

۸۴ (۳)

(۱) دقیقاً (۲) معمولاً، عموماً (۳) به نحو مؤثری، به نحو کارآمدی (۴) اخیراً، به تازگی
سازمان‌دهندگان همچنین اطمینان حاصل کرده‌اند که مسیرهای ترافیکی جایگزین فراهم خواهد بود.

(زمان ۹۴)

۸۵ (۳)

(۱) خلاق؛ خلاقانه (۲) پیشرو (۳) جایگزین (۴) بی‌طرفانه، منصفانه
پرسش‌نامه برای بیرون کشیدن (استخراج) اطلاعات در مورد عادات‌های غذایی [طرح شده] بود.

(تغییر کلی)

۸۶ (۲)

(۱) اذّعا کردن (۲) بیرون کشیدن، استخراج کردن (۳) چسباندن؛ چسبیدن (۴) اجازه دادن به
آن شرکت به دردرس افتاده است چون که مسئول ریختن مواد شیمیایی خطرناک در رودخانه هستند.

(تغییر کلی)

۸۷ (۲)

(۱) راضی، خشنود (۲) مسئول (۳) خوش‌بخت، سعادتمند (۴) بی‌همتا
(تغییر جزئی)

ادبیات شامل نمایش‌نامه‌ها، اشعار، رمان‌ها و داستان‌های کوتاه است. آن نوشته‌ای است که از طریق ارائه بینش‌های مهم به طبیعت احساسات انسانی، ارزش قوی و پایداری را منتقل می‌کند. برای مثال، نمایش‌نامه‌نویس انگلیسی، ویلیام شکسپیر، اغلب نمایش‌نامه‌هایش را بر مبنای داستان‌های قدیمی یا شناخته‌شده قرار می‌داد و از آن جایی که شکسپیر نویسنده بسیار ماهری بود و درک بالایی از طبیعت انسان داشت، نمایش‌نامه‌هایش هنوز صدها سال بعد از این‌که اولین بار منتشر شدند، مخاطبانی را از تمام ملیت‌ها به هیجان می‌آورند. ادبیات می‌تواند قوی باشد، چون‌که می‌تواند تفکرات، ایده‌آل‌ها و باورهای نویسنده را ابراز کند. نویسنده‌ها اغلب از ادبیات برای اعتراض کردن به بی‌عدالتی در جهان، انجام انتقادات اجتماعی و تأثیر گذاشتن بر روی نظرات ملل استفاده کرده‌اند. برای مثال، رمان‌نویس آمریکایی، جان اشتاینبک در [رمان] خوشه‌های خشم، توجه مردم را به رنج کشاورزان بی‌خانمانی که در طول بحران اقتصادی بزرگ دهه ۱۹۳۰ از اوکلاهاما به کالیفرنیا فرار می‌کردند، جلب کرد.

۸۸ (۲)

(۱) طراحی کردن (۲) فراهم کردن، ارائه کردن (۳) مشاهده کردن، دیدن (۴) کشف کردن؛ پی بردن
توضیح: چیزی را بر مبنای ... قرار دادن: base sth on sth

(زمان ۹۴)

۸۹ (۱)

(۱) بهبود بخشیدن، بهتر شدن (۲) وصل کردن، متصل کردن (۳) محافظت کردن از، نگهداری کردن از (۴) به هیجان آوردن، هیجان‌زده کردن
توضیح: فعل دو کلمه‌ای put out (در این‌جا به معنی منتشر کردن) متعدی است و بعد از آن باید مفعول بیاید. با توجه به این‌که بعد از این فعل، مفعول نیامده، ساختار مجهول مدنظر است و فعل مجهول نیاز داریم. علاوه بر این، با توجه به مفهوم جمله، در این‌جا به فعل مجهول در زمان گذشته ساده نیاز داریم که با گزینه (۳) کامل می‌شود.

(تغییر جزئی)

۹۱ (۳)

(۱) پذیرش (۲) درد، رنج (۳) مقایسه، سنجش (۴) تفاوت، اختلاف
مجموعه‌ای از اتفاقات که در یک اثر ادبی رخ می‌دهد طرح نامیده می‌شود. برای مثال، [کتاب] سفرهای گالیور داستان لموتل گالیور، یک جراح کشتی، را تعریف می‌کند. در بخش اول، کشتی گالیور در سرزمینی تخیلی با عنوان لی‌لی پوت غرق می‌شود، جایی که انسان‌ها فقط چند اینچ قد دارند. در قصه دوم، او غول‌های برابردینگ‌نگ را ملاقات می‌کند. در داستان سوم، گالیور به دیدن سرزمین‌های عجیب مختلفی می‌رود. در نهایت، او در بین هوئی‌هنم‌ها رها می‌شود - گونه‌ای از اسب‌ها که خردمندتر و باهوش‌تر از خدمتکاران انسانشان [یعنی] یاهوها هستند. گالیور که توسط هوئی‌هنم‌ها رانده می‌شود، به انگلیس باز می‌گردد، جایی که دیگر قادر نیست حضور سایر انسان‌ها را تحمل کند.

(زمان ۹۴)

۹۲ (۲)



زبان و ادبیات فارسی

- ۱ (۲) معنی درست واژه‌ها: اندیشه: بدگمانی، اندوه، ترس، اضطراب، فکر / مکیدت: کید، مکر، حيله / سورت: تندی و تیزی، حدّت و شدّت / طاق: فرد، یکتا، بی‌همتا / مسحور: مفتون، شیفته، مجذوب (تغییر کلی)
- ۲ (۴) معنی درست واژه: کیوان: سیّاره زُحل (تغییر کلی)
- ۳ (۴) معنی درست واژه: متواتر: پی‌درپی (تغییر کلی)
- ۴ (۱) املاي درست واژه‌ها: الف) فراق: هجران (فراق: آسایش) / ب) صاعقه: برق، آذرخش، آتشی که بر اثر رعد و برق شدید پدید آید. (تغییر بی‌زنی)
- ۵ (۳) املاي درست واژه‌ها: منسوب: نسبت داده شده / صواب: درست، پسندیده، مصلحت (ثواب: پاداش اخروی کار نیک) (تغییر کلی)
- ۶ (۴) املاي درست واژه: قیاس: اندازه گرفتن، سنجیدن (تجربی ۹۵)
- ۷ (۳) نام پدیدآورندگان آثار:
تحفة الاحرار: جامی / ساننا ماریا: سیّد مهدی شجاعی / داستان‌های صاحب‌دلان: محمّدی اشتیاردی (تغییر کلی)
- ۸ (۱) بررسی سایر گزینه‌ها:
۲) کنایه: سرمست بودن کنایه از خوش‌باشی / بی‌سحر بودن شب کنایه از عیش و نوش همیشگی
دقّت کنیم! «بی‌سحر بودن شب» در این بیت - برخلاف کاربرد غالب آن که کنایه از بی‌پایان بودن رنج و اندوه است - به معنی عیش و نوش هر شب و همیشگی است.
۳) استعاره: بوی جان (اضافه استعاری) / لب ... قدح (اضافه استعاری)
۴) ایهام: مدام: ۱- شراب ۲- همیشگی (تجربی ۹۵)
- ۹ (۱) بررسی آرایه‌های گزینه (۱):
مجاز: ماه و پروین: مجاز از ستارگان و تمام اجرام نورانی آسمانی
کنایه: رخ فروپوشیدن کنایه از پنهان شدن
تشبیه: روی معشوق به آفتاب / علاوه بر آفتاب، شاعر به‌طور ضمنی رخ معشوق را به ماه و پروین تشبیه کرده و از آن دو، برتر دانسته است.
استعاره: نسبت دادن خجالت کشیدن و رخ پوشاندن به ماه و پروین (تجربی ۹۵)
- ۱۰ (۲) بررسی آرایه‌ها در بیت‌ها:
تشبیه (بیت «د»): آتش سودای عشق / تشبیه عاشق به دیگ
استعاره (بیت «ب»): جان بخشی به سرو؛ این‌که گناه شاعر به خاطر سرو بخشوده شود، لازمه‌اش این است که سرو دارای آبرو باشد. (این جان‌بخشی البته بسیار ظریف و هنری است و بعید نیست که طراح، «لب جویبار» را اضافه استعاری تصوّر کرده باشند).
حسن تعلیل (بیت «ج»): دلیل این‌که موذن در ابتدای اذان گوش خود را می‌گیرد، این است که کسی توان شنیدن حرف حق را ندارد.
ایهام (بیت «الف»): دور از یار: ۱- امیدوارم از یار دور باشد. ۲- در هجران یار
اغراق (بیت «ه»): اغراق در فراوانی اشک (تجربی ۹۵)
- ۱۱ (۱) بررسی آرایه‌های گزینه (۱):
ایهام تناسب: شور: ۱- هیجان (معنی درست) ۲- نمکین (معنی نادرست، تناسب با تلخ و شیرین)
استعاره: کام جان (اضافه استعاری)
حسن آمیزی: جواب تلخ
تناقض: شیرین‌تر از شکر بودن جواب تلخ (تغییر کلی)
- ۱۲ (۴) فعل «ساختن» در این گزینه معنی اسنادی دارد و در سایر گزینه‌ها به معنی «سازگار شدن» به‌کار رفته است. (تغییر کلی)
- ۱۳ (۲) زمان فعل «دریابد» مضارع ساده است، امّا «دریافته شد» در زمان ماضی ساده ساخته شده است.
شکل درست فعل مجهول: دریافته شود (تجربی ۹۶)

۳۳ (۲) [گزینه] نادرست را مشخص کن:

لَّهِ: برای خدا / مُطالِبین: درحالی که خواهان (حال است).

ترجمه درست: ما برای خدا درحالی که خواهان یاری الهی از او هستیم، نماز می خوانیم.

(تغییر جزئی)

۳۴ (۱) [گزینه] درست را مشخص کن:

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۲) اسلوب استثناء منفی را نمی توان به صورت مثبت و مؤکد ترجمه کرد.

ترجمه درست: امروز کتاب‌های زیادی درباره شیمی نخواندم جز دو کتاب.

(۳) تحصیلی‌شان ← تحصیل

ترجمه درست: دانش‌آموزان در روزهای تحصیل، در زمان مشخصی (مشخص شده‌ای) از خواب خویش بیدار می‌شوند.

(تغییر کلی)

(۴) دانشجوی بهتر ← بهترین دانشجو

ترجمه درست: استاد در دانشگاه به من گفت: تو بهترین دانشجو در ادب و درس هستی.

۳۵ (۳) [گزینه] درست را مشخص کن:

بررسی سایر گزینه‌ها:

توبه‌کننده کسی است: التَّائِبَةُ مِنَ (التَّائِبِ هُوَ الَّذِي) [ردگزینه‌های (۱) و (۴)]

وقتی متوجه شد: عندما (حينما) علمت (عَلِمَ) [ردگزینه‌های (۱) و (۴)]

اشتباه است: غير صحيح («سَيِّءٌ» به معنای «بد» است). [رد سایر گزینه‌ها]

برای همیشه: إلى الأبد [ردگزینه‌های (۱) و (۲)]

(تجربی ۹۵)

■ متن زیر را بخوان، سپس به سؤالات (۳۶-۴۲) با آنچه که مناسب متن است، پاسخ بده:

ترجمه درک مطلب:

(تغییر جزئی)

تتناول الفراشة غذاءها من عصارة الأزهار (پروانه غذایش را از شهد گل‌ها می‌خورد) بواسطة خرطوم طويل و دقيق. (به وسیله خرطومی بلند و باریک) للفراش قابلية عالية على الطيران (پروانه توانایی بالایی در پرواز کردن دارد) للمسافات القريبة و البعيدة. (برای مسافت‌های نزدیک و دور). كثيرًا ما نرى الفراشات عند حلول الظلام (بسیاری [از اوقات] پروانه‌ها را هنگام برآمدن تاریکی می‌بینیم) و هي تتحرك نحو النور، (درحالی که به سوی روشنایی حرکت می‌کنند) و السبب هو أنّ جسم الفراشة (و علت [آن] این است که بدن پروانه) يحتاج دائمًا إلى المحافظة على درجة معينة من الحرارة! (همیشه نیاز به حفظ درجه مشخصی از گرما دارد). لقد وهبَ الله هذا الحيوان (خدا به این حیوان بخشیده است) وسيلة للدفاع عن النفس؛ (وسیله‌ای برای دفاع از خود)؛ فإنّ الألوان المختلفة على جناحها (رنگ‌های مختلف بر بالش) من أحسن الوسائل الدفاعية لدى الفراشة، (از بهترین وسایل دفاعی است نزد پروانه است)، كما أنّ لجناح الفراش فائدة أخرى، (همان‌طور که بال پروانه فایده دیگری دارد)، فهو يستعمل الجناح (او بال را به‌کار می‌برد) كوسيلة للتعرف بين الفراشات (به‌عنوان وسیله‌ای برای آشنایی میان پروانه‌ها) أثناء عملية التكاثر! (در جریان فرایند زاد و ولد). إنّ بعض أنواع الفراش (برخی از انواع پروانه‌ها) يعيش على شكل تجمعات كبيرة (به‌شکل گروه‌های بزرگی زندگی می‌کنند) حيث تقوم بحوائج بقائها بصورة جماعية! (به طوری که [به برآوردن] نیازهای بقایشان به‌صورت گروهی می‌پردازند).

معنای کلمات مهم این متن:

۱- تتناول: می‌خورد	۲- الفراشة: پروانه	۳- عصارة الأزهار: شهد گل‌ها	۴- دقيق: باریک
۵- قابلية: توانایی	۶- الطيران: پرواز کردن	۷- نرى: می‌بینیم	۸- الظلام: تاریکی
۹- وهب: بخشید	۱۰- الألوان: رنگ‌ها	۱۱- جناح: بال	۱۲- لدی: نزد
۱۳- التعرف: شناخت، آشنایی	۱۴- أثناء: در جریان، میان	۱۵- عملية: فرایند	۱۶- التكاثر: زاد و ولد کردن
۱۷- تجمعات: گروه‌ها	۱۸- حوائج: نیازها	۱۹- بقاء: زندگی، بقا	۲۰- جماعية: گروهی

۳۶ (۱) [گزینه] درست را مشخص کن: از ویژگی‌های پروانه -----

ترجمه گزینه‌ها:

(۱) ترجیح (اولویت قرار دادن) نور بر تاریکی است.

(۲) وجود رنگ‌های مختلف در خرطومش است.

(۳) فرار از گرما است.

(۴) سرعت پرواز و زیادی آن (پرواز) در فاصله‌های نزدیک (پرواز) است.

توضیح: بر اساس خط دوم متن، پروانه‌ها به‌سوی نور حرکت می‌کنند.

(تجربی ۹۵)

۴۶ (۱)

آنچه را که ممکن نیست از آن مجهول ساخته شود، مشخص کن:
از افعال ناقصه «فعل مجهول» ساخته نمی‌شود، زیرا برای ساخت فعل مجهول نیاز به فاعل و مفعول هست.
ترجمه عبارت: دختر همسایه ما در مسابقه پرش - اگر خدا بخواهد - برنده خواهد شد.
ترجمه سایر گزینه‌ها:

(۲) مردم کودک مصدوم را با خود به بیمارستان بردند.

(۳) این کودک در دفترش تصویر والدین خود را کشید.

(۴) مادر من با شادی و گرمی از میهمانان استقبال می‌کند.

۴۷ (۱)

آنچه را که در آن مستثنی‌منه است، مشخص کن:

در گزینه (۱) کلمه «ما» نقش مستثنی دارد و «جمیع الأخشاب» «مستثنی‌منه» است.

ترجمه عبارت: کودک شروع کرد به آتش زدن همه چوب‌ها، به جز آنچه که در خانه بود.

ترجمه سایر گزینه‌ها:

(۲) به راستی آنچه به آن باور دارید، [قطعاً] حق است، پس به آن عمل کنید و فقط به (بر) خدا توکل کنید.

(۳) فقط سربازی که در میدان جنگ مبارزه کرد، به وطنش باز می‌گردد.

(۴) بعضی از مؤمنان فقط اموالشان را انفاق می‌کنند و آن‌ها حضور خداوند را در همه زندگی‌شان می‌بینند.

«آیام» را که خبر است، مشخص کن:

۴۸ (۴)

گزینه (۴) یک جمله اسمیه است و «آیام» اول نقش «مبتدا» و «آیام» دوم نقش «خبر» جمله را دارد.

ترجمه عبارت: روزهای موفقیت روزهایی است که هرگز در طول زندگی فراموش نمی‌شود.

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) در این گزینه، قبل از «آیام» حرف جر «فی» آمده است، پس نقش «مجرور به حرف جر» را می‌گیرد.

ترجمه: سرما در کوه، در روزهای زمستان زیاد می‌شود.

(۲) در عبارت «أطول الأيام» کلمه «الأيام» نقش «مضاف‌الیه» را دارد.

ترجمه: طولانی‌ترین روزها همان [روزهایی] است که دوستانم را در آن ندیدم.

(۳) «الأيام» در این گزینه نقش «فاعل» را دارد.

ترجمه: روزها برای مؤمن، بدون فکر کردن نمی‌گذرد.

حال را مشخص کن:

۴۹ (۱)

در این گزینه «مضطرباً» حال است و حالت «الطائر: پرنده» را نشان می‌دهد.

ترجمه عبارت: پرنده زندانی باناچاری گفت:

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۲) قتلاً: مفعول مطلق نوعی / تکرماً: صفت

ترجمه: ای صاحب من! اکنون مرا به گونه‌ای بزرگوارانه بکش،

(۳) قلیلاً: مفعول دوم

ترجمه: یا اندکی از محبتت را به من ببخش،

(۴) تخلصاً: مفعول مطلق تأکیدی

ترجمه: یا مرا از این قفس قطعاً رهایی بده.

منادی را مشخص کن:

۵۰ (۳)

توجه: هرگاه بعد از «رَبِّ» یا «رَبَّنَا» فعل امر یا فعل نهی بیاید، «رَبِّ» و «رَبَّنَا» مناداست.

ترجمه گزینه‌ها:

(۱) پروردگار ما به آنچه در سینه‌های ماست دانایتر است.

(۲) پروردگار ما همان کسی است که در هر مکانی موجود است.

(۳) پروردگارا! آسان گیر و سخت نگیر.

(۴) پروردگارم نازل‌کننده قرآن و حافظش است.

(انسانی ۹۵)

(تغییر کلی)

(تغییر جزئی)

(انسانی ۹۵)

(تغییر کلی)

أولئك المتفرجون: أن تماشاجيان (هرگاه اسم اشارهٔ مثنی یا جمع + اسم «ال» دار بیاید، اسم اشاره مفرد ترجمه می‌شود.) [رد گزینه‌های (۳) و (۴)]
 لاعبي: بازیکنان [رد گزینه (۴)]

(تغییر کلی)

في الملعب: در ورزشگاه [رد گزینه (۱)]
کلمات کلیدی: قد نشاهد / الحيوانات النادرة / غابات

۲۸ (۴)

مقایسهٔ کلمات کلیدی در سایر گزینه‌ها:

قد نشاهد: گاهی می‌بینیم، شاید ببینیم (قد + مضارع = «گاهی + مضارع اخباری» یا «شاید + مضارع التزامی») [رد گزینه‌های (۱) و (۳)]
 الحيوانات النادرة: حیوانات کمیاب [رد گزینه‌های (۱) و (۲)]

(تغییر کلی)

غابات: جنگل‌ها [رد گزینه (۲)]

کلمات کلیدی: المناطق الرائعة التي / مستنقعات / مياهها / ذات رائحة كريهة
مقایسهٔ کلمات کلیدی در سایر گزینه‌ها:

۲۹ (۱)

المناطق الرائعة التي: مناطق جالبی که [رد گزینه‌های (۳) و (۴)]

مستنقعات: تالاب‌هایی بود که (جملهٔ وصفیه در ترجمه حرف ربط «که» می‌گیرد.) [رد سایر گزینه‌ها]

(تغییر کلی)

مياهها: آب‌هایش [رد سایر گزینه‌ها]

ذات رائحة كريهة: دارای بوی بدی [بود] (این عبارت خبر برای «مياهها: آب‌هایش» می‌باشد و نباید به‌صورت ترکیب وصفی «آب‌های بدبو» یا معرفه «رایحهٔ بد» ترجمه گردد، ضمناً در گزینه (۳)، «ذات: دارای» در ترجمه لحاظ نشده است. [رد سایر گزینه‌ها]

کلمات کلیدی: هذه سِنَّةٌ جميلةٌ / مكاننا / لما يدخل / ضيف جديد

۳۰ (۲)

مقایسهٔ کلمات کلیدی در سایر گزینه‌ها:

هذه سِنَّةٌ جميلةٌ: این یک سنت زیباست، این سنت زیبایی است («هذه» اسم اشاره نزدیک است و «سِنَّةٌ جميلةٌ» ترکیب وصفی و نکره است.)
 مکاننا: جایمان [رد گزینه‌های (۱) و (۴)]

(زبان ۹۵)

لما يدخل: وقتی وارد می‌شود («لما» به معنای «وقتی که» است و نیز «يدخل» فعل مضارع است.) [رد سایر گزینه‌ها]

ضيف جديد: میهمانی جدید، یک مهمان جدید (ترکیب وصفی، نکره است نه معرفه.) [رد گزینه‌های (۳) و (۴)]

کلمات کلیدی: في العاشرة من عمري / كنت أبكي / أمشي بدون حذاء

۳۱ (۱)

مقایسهٔ کلمات کلیدی در سایر گزینه‌ها:

في العاشرة من عمري: در ده سالگی از عمرم، در ده سالگی‌ام [رد گزینه‌های (۲) و (۳)]

كنت أبكي: گریه می‌کردم («كان» به‌همراه فعل مضارع به‌صورت ماضی استمراری ترجمه می‌شود.) [رد گزینه (۳)]

(زبان ۹۵)

أمشي بدون حذاء: بدون کفش راه می‌رفتم [رد سایر گزینه‌ها]

کلمات کلیدی: انكسار ضوء الشمس / في قطرات الماء الصغيرة / الموجودة في الجو / عند نزول المطر / يحدث / ظاهرة قوس قزح

۳۲ (۱)

مقایسهٔ کلمات کلیدی در سایر گزینه‌ها:

انكسار ضوء الشمس: شکستن نور خورشید [رد گزینه‌های (۳) و (۴)]

في قطرات الماء الصغيرة: در قطرات کوچک آب («الصغيرة» صفت «قطرات» و معرفه است و در این‌جا باید همراه «قطرات» بیاید و بعد از آن «الماء» ترجمه شود.) در ضمن در گزینه (۳) واژهٔ «باران» در ترکیب «قطره‌های کوچک آب باران» زائد است. [رد سایر گزینه‌ها]

الموجودة في الجو: موجود در جو [رد گزینه‌های (۳) و (۴)]

عند نزول المطر: هنگام بارش باران [رد گزینه (۳)]

(زبان ۹۵)

يحدث: به‌وجود می‌آورد (فعل مضارع از باب إفعال و متعدی (گذرا) است.) [رد گزینه‌های (۲) و (۴)]

ظاهرة قوس قزح: پدیدهٔ قوس قزح را، پدیدهٔ رنگین‌کمان را («ظاهرة قوس قزح» یک ترکیب اضافی بوده و «چون» و «به نام» نیز در ترجمهٔ آن زائد است، ضمناً «ظاهرة ...» نقش مفعول فعل «يحدث» را دارد و در ترجمه همراه «را» ذکر می‌شود.) [رد سایر گزینه‌ها]

[گزینه] درست را مشخص کن:

۳۳ (۴)

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) لا طفل يحزن: هیچ کودکی ناراحت نیست / طعامه: غذایش / في كل يوم: در هر روز (روزانه)

ترجمهٔ درست: هیچ کودکی برای تهیهٔ غذایش در هر روز (روزانه) ناراحت (نگران) نیست،

۵۸ (۲)

هر انسانی خواستار همه کمالات و زیبایی‌هاست و این خواستن حدی ندارد و این موضوع مؤید «معاد لازمۀ حکمت الهی» است. درباره موضوع «اشاره به نظام مرگ و زندگی در طبیعت» می‌خوانیم: «خداست که بادها را می‌فرستد تا ابر را برانگیزند، سپس آن ابر را به سوی سرزمینی مرده برانیم و آن زمین مرده را بدان [وسیله] پس از مرگش زندگی بخشیدیم. زنده شدن قیامت نیز همین‌گونه است.» در داستان عزیز نبی (ع) می‌خوانیم که عزیز (ع) به چشم خود زنده شدن الاغ را دید و گفت: «می‌دانم که خدا بر هر کاری توانا است.»

۵۹ (۴)

از حدیث «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلِيٌّ بَابُهَا» مفهوم می‌گردد که حضرت علی (ع)، پس از رسول خدا (ص) از همه داناتر است؛ زیرا پیامبر (ص) کسب علم از ایشان را راه رسیدن به علم خود معرفی کرده است.

(تفسیر جزئی)

۶۰ (۱)

آیه شریفه ﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ ... ﴾: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، دشمن من و دشمن خودتان را دوست نگیرید ...» خطاب به مؤمنان است و در ادامه، علت دشمنی آن‌ها با خدا این‌گونه ذکر شده است: ﴿ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ ﴾: «حال آن‌که آنان به دین حقی که برای شما آمده است، کفر ورزیده‌اند.» یعنی کفر ورزیدن به دینی که خداوند فرستاده است، علت لزوم پرهیز از دوستی با آنان است.

(تفسیر کلی)

۶۱ (۴)

با توجه به آیه شریفه ﴿ وَ تَرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ ﴾: «ما می‌خواهیم بر مستضعفان زمین، منت نهیم و آنان را پیشوایان [مردم] قرار دهیم و آنان را وارثان [زمین] قرار دهیم.» دریافت می‌گردد که اراده و مشیت الهی بر منت‌گذاری بر مستضعفان (ناتوان‌شدگان) زمین تعلق گرفته است و آنان را پیشوایان ﴿ ائمة ﴾ و وارثان زمین ﴿ الوارثین ﴾ قرار می‌دهد.

(تفسیر جزئی)

۶۲ (۲)

اگرچه حدیث «سلسله‌الذهب» درباره اقدام برای حفظ سخنان و سیره پیامبر (ص) در راستای مسئولیت مرجعیت دینی امام (ع) آمده است، اما هیچ‌گزینه‌ای به این موضوع اشاره ننموده، در نتیجه باید به دنبال گزینه‌ای باشیم که از نظر مفهومی با حدیث «سلسله‌الذهب» مطابقت داشته باشد. در انتهای این حدیث، امام رضا (ع) فرمودند: «بشروطها و انا من شروطها»: «اما به شرطهای آن و من از شرطهای آن هستم.» در حقیقت امام در این حدیث، ولایت خود را از شروط توحید بیان نموده‌اند. این عبارت با مسئولیت «معرفی خویش به‌عنوان امام بر حق» در راستای ولایت ظاهری ایشان مطابقت دارد.

(ریاضی ۹۶)

۶۳ (۳)

معرفت به امام، موجب رهایی انسان از مرگ جاهلی است. امامت شامل دو مسئولیت «مرجعیت دینی» و «ولایت ظاهری» می‌باشد. مهم‌ترین ویژگی زندگی جاهلان، نظام غیر الهی و حاکمیت ظالمانه آن است. هرکس حکومت غیر الهی را بپذیرد، زندگی جاهلان را برگزیده و در نتیجه به مرگ جاهلی خواهد مرد. بنابراین این حدیث به لزوم ولایت ظاهری امام تأکید نموده است. در نتیجه باید گزینه‌ای را انتخاب کنیم که این مفهوم در آن آمده باشد.

بررسی گزینه‌ها:

۱) این گزینه غلط است، زیرا گفته شده همه مسئولیت‌های ایشان را در قلمرو رسالت ادامه دهد؛ درحالی‌که باید می‌گفت: در قلمرو امامت ایشان، به‌جز دریافت و ابلاغ وحی.

۲) این گزینه به ولایت معنوی امام اشاره دارد. هم‌چنین برای برخورداری از ولایت معنوی لازم نیست امام را بشناسیم، بلکه انسان‌ها به میزان ایمان و عمل از ولایت معنوی امام برخوردار می‌شوند.

۳) این گزینه به تداوم دو قلمرو امامت از جمله ولایت ظاهری اشاره نموده و در نتیجه، پاسخ صحیح است.

(ریاضی ۹۶)

۴) این گزینه به علل نیاز به امام پس از پیامبر (ص) اشاره دارد، نه علل شناخت امام و در نتیجه، صحیح نیست.

۶۴ (۱)

امام خمینی (ره) در یکی از پیام‌های خود به مسلمانان چنین پیام می‌دهد: «ای مسلمانان جهان که به حقیقت اسلام ایمان دارید، به پا خیزید و در زیر پرچم توحید و در سایه تعلیمات اسلامی مجتمع شوید و دست خیانت ابرقدرت‌ها را از ممالک خود و خزائن سرشار آن کوتاه کنید. دست از اختلافات و هواهای نفسانی بردارید که شما دارای همه‌چیز هستید. بر فرهنگ اسلامی تکیه کنید و با غرب و غرب‌زدگی مبارزه نمایید و روی پای خودتان بایستید.»

(تفسیر جزئی)

۶۵ (۲)

نمی‌شود که انسان‌های با ایمان و درستکار با پیروی از دین و تبعیت از فطرت و عقل به درجاتی از رشد و کمال برسند و با رسیدن مرگ، دفتر زندگی آنان بسته شود و همه کمالات کسب‌شده را از دست بدهند. چنین کاری از خداوند حکیم محال است و هرگز سر نخواهد زد. چون خداوند حکیم است، ممکن نیست که دفتر زندگی انسان با مرگ بسته شود. زیرا آفریدن استعدادها و سرمایه‌ها با خاک شدن کمالات کسب‌شده، بیهوده می‌شود.

(ریاضی ۹۶)

آیه‌ای که به تداوم زندگی انسان در قیامت و بسته‌نشدن آن با مرگ اشاره دارد، آیه ﴿ اَللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ لَيَجْمَعَنَّكُمْ اِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيْهِ ... ﴾ است. شیطان، انسان را به گناه دعوت می‌کند و در روز قیامت که فرصتی برای توبه باقی نمانده است، به اهل جهنم می‌گوید: «... من بر شما تسلطی نداشتم؛ فقط شما را به گناه دعوت کردم. این خودتان بودید که دعوت مرا پذیرفتید. امروز خود را سرزنش کنید نه مرا ...» و با بیان این عبارت، مقصر نبودنش را ابراز می‌کند.

(تفسیر جزئی)

۶۷ (۳)

کارهای بازدارنده از کارهای مفید، همان ﴿ لهو و لعب ﴾ هستند که در دنیا، انسان به آن‌ها مشغول می‌شود و از سرای حقیقی و راستین آخرت: ﴿ الْحَيٰوَان ﴾ بازمی‌ماند. این مفهوم در آیه ﴿ وَ مَا هٰذِهِ الْحَيٰةُ الدُّنْيَا اِلَّا لَهْوٌ وَ لَعِبٌ وَ اِنَّ الدَّارَ الْاٰخِرَةَ لِهِيَ الْحَيٰوَانُ لَوْ كَانُوْا يَعْلَمُوْنَ ﴾: «این زندگی دنیا، جز سرگرمی و بازی نیست و سرای آخرت، زندگی حقیقی است. اگر می‌دانستند.» بیان شده است.

(تفسیر جزئی)

کدام یک از موارد زیر را می‌توان از متن درباره دیدگاه دانشمندان در مورد پیش‌بینی زمین‌لرزه‌ها متوجه شد؟

۹۴ (۱)

- (۱) آن‌ها در مورد امکان پیش‌بینی زمین‌لرزه، با یکدیگر هم‌عقیده نیستند.
- (۲) آن‌ها اعتقاد دارند که استفاده از روش‌های قدیمی همچون مشاهده رفتار حیوانات، بسیار مفید است.
- (۳) آن‌ها استدلال می‌کنند که به دلیل تغییر انواع زمین‌لرزه‌ها، پیش‌بینی زمین‌لرزه به اندازه گذشته دقیق نیست.
- (۴) آن‌ها بیان می‌کنند که اگر فقط خودشان را درگیر پیش‌بینی‌های کوتاه‌مدت کنند، موفقیت در پیش‌بینی زمین‌لرزه محتمل‌تر است.

(تجربی ۹۶)

۹۵ (۴)

- (۱) در سرتاسر جهان شناخته شده است
- (۲) نسبتاً خوب و درست سروقت پیش‌بینی شد
- (۳) یکی از قوی‌ترین زمین‌لرزه‌هایی بود که می‌توانست باعث خسارت بسیاری شود
- (۴) ادعا می‌شود که پیش‌بینی شده است، ادعایی که تمام دانشمندان در واقع با آن موافق نیستند

(تجربی ۹۶)

۹۶ (۱)

- در متن اطلاعات کافی وجود دارد تا به کدام یک از سؤالات زیر پاسخ دهد؟
- (۱) امواج پی در مقایسه با امواج اس چه قدر سریع‌تر حرکت می‌کنند؟
 - (۲) دلیل این که امواج اس از امواج پی مخرب‌تر هستند چیست؟
 - (۳) در دهه ۱۹۹۰، دانشمندان در چه مواردی موفق به پیش‌بینی زمین‌لرزه‌ها نشدند؟
 - (۴) کدام نوع از رفتار حیوانی عجیب می‌تواند نشانه زمین‌لرزه پیش‌رو باشد؟

(تجربی ۹۶)

یکی از مهم‌ترین تصمیمات در زمانی که افراد بزرگ و بالغ می‌شوند، این است که چه شغل یا حرفه‌ای را انتخاب کنند. با این حال، با وجود این همه احتمال برای انتخاب کردن، اغلب، گرفتن این تصمیم دشوار است. علاوه بر این، عوامل زیادی وجود دارند که ممکن است بر روی شخص در انتخاب حرفه تأثیر بگذارند و ممکن است بعضی از این‌ها متضاد باشند. برای مثال، فشار خانواده، پتانسیل کسب پول و علاقه شخصی خود فرد، ممکن است همگی عواملی باشند که وقتی شخص تلاش می‌کند تا تصمیم بگیرد کدام مسیر شغلی را دنبال کند، او را به سه مسیر مختلف می‌کشاند. اگرچه اغلب گفته می‌شود که تا زمانی که شخص یک فرد بالغ جوان شود، خواهد دانست [که] می‌خواهد «با زندگی‌اش چه کار کند» در واقع، ممکن است روند یافتن شغل مدتی طولانی طول بکشد. غیرعادی نیست که شخص پیش از یافتن شغلی که به رضایت شغلی منجر شود، بیش از یک حرفه را امتحان کند. به وضوح، اوایل جوانی دوران استرس است. آن زمان تشکیل خانواده، یافتن و حفظ شغل «مناسب» و حفظ تعادل بین خود، خانواده، شغل و جامعه به‌طور کلی است. آن دورانی از زندگی است که نیازمند انرژی زیاد است. خوشبختانه، ما در طول دهه دوم و سوم زندگی مان، از نظر رشد جسمانی، در چیزی مثل اوج هستیم. همان‌طور که لوینسون (۱۹۸۶) بیان کرده است: «اوایل جوانی، دوران بیشترین انرژی و وفور و بیشترین تضادها و استرس است.»

۹۷ (۳)

- چرا نویسنده در پاراگراف ۱ «فشار خانواده، پتانسیل کسب پول و علاقه شخصی خود فرد» را ذکر می‌کند؟
- (۱) تا از مسئولیت‌های بلوغ مثال‌هایی ارائه کند
 - (۲) تا توضیح دهد چرا افراد بالغ نیاز دارند شغلی را انتخاب کنند
 - (۳) تا تعدادی از عواملی را که بر روی انتخاب شغل یک فرد بالغ تأثیر می‌گذارند معرفی کند
 - (۴) تا آثار مثبت و منفی هر انتخاب شغلی را مورد بحث قرار دهد

(تجربی ۹۶)

۹۸ (۳)

- کلمه "one" در پاراگراف ۱ به "decision" اشاره دارد.
- (۱) فاکتور، عامل
 - (۲) شغل، حرفه
 - (۳) تصمیم
 - (۴) امکان، احتمال

(تجربی ۹۶)

۹۹ (۴)

- طبق متن، کدام یک از موارد زیر صحیح نیست؟
- (۱) اوایل جوانی دورانی است که در آن افراد بالغ تحت استرس قرار می‌گیرند.
 - (۲) تمامی افراد بالغ جوان دقیقاً نمی‌دانند می‌خواهند با زندگی‌شان چه کار کنند.
 - (۳) حفظ تعادل بین خود، خانواده، شغل و جامعه می‌تواند برای افراد جوان بالغ منشأ استرس باشد.
 - (۴) پیش از این که یک فرد بالغ جوان، شغلی را آغاز کند که آن را واقعاً دوست داشته باشد، بسیار غیرمحتمل است که کار عوض کند.

(تجربی ۹۶)

۱۰۰ (۱)

- این متن در اصل قصد دارد تا
- (۱) اطلاع‌رسانی کند
 - (۲) پیشنهادی را مطرح کند
 - (۳) یافته‌ای را ارائه کند
 - (۴) توصیه‌ای را ارائه کند

(تجربی ۹۶)

۸۲ (۴) او در مدرسه بد رفتار کرد؛ او هر کاری که می‌توانست انجام داد تا فرصتی بیابد تا خواهرش را خجالت‌زده کند؛ او همچنین وقتی که مهمان داشتند، بی‌ادبانه رفتار کرد و به اتاقش فرستاده شد.

۸۳ (۳) (۱) با وجود این، با این حال (۲) هر کدام، هر یک (۳) هر وقت (که)، هر موقعی (که) (۴) هر چه، هر کاری (تغییر بجزئی)
یکی از اعضای باشگاه سوآلی را مطرح کرد اما جدی گرفته نشد، چون همه هم‌عقیده بودند که آن کاملاً با موضوع بحث بی‌ارتباط بود.

۸۴ (۴) (۱) مطمئناً، یقیناً (۲) به‌نحو مناسبی، به‌طور شایسته (۳) جدی، به‌طور جدی (۴) لزوماً، ضرورتاً (هنر ۹۶)
نویسنده تمام جنبه‌های جامعه روم را بررسی می‌کند و فقط در آن هنگام تلاش می‌کند تا کلیت پیچیده را خلاصه کند.

(۱) دریافت کردن، گرفتن (۲) بهبود یافتن؛ بهتر کردن
(۳) فراهم کردن، ارائه کردن (۴) تلاش کردن؛ مبادرت کردن به (تغییر بجزئی)

۸۵ (۱) بنابراین، اگر مشتاق عشق هستید، سعی کنید درک کنید که تنها راه دست یافتن به عشق، عشق ورزیدن است، یعنی هر چه بیشتر [عشق] بورزید، بیشتر [عشق] می‌بینید.

۸۶ (۴) (۱) درک کردن، فهمیدن (۲) اطلاع دادن به، مطلع کردن (۳) مرتب کردن، منظم کردن (۴) تأمل کردن؛ حدس زدن (تغییر بجزئی)
واقعاً اشتباه خیلی بدی کرده‌اید؛ اصرار دارم که اقدام فوری انجام دهید تا این را درست کنید.

۸۷ (۲) (۱) عمیق، گود (۲) همه، تمام (۳) گزینشی، انتخابی (۴) فوری، بی‌درنگ (تغییر بجزئی)
جایزه نوبل اولین فایده سال‌ها تلاش علمی آن محقق بود.

(۱) واقعه، رویداد (۲) سود، منفعت، فایده (۳) احترام؛ جنبه، وجه (۴) حقیقت، واقعیت (تغییر بجزئی)

در حالی که در قرون وسطی (سال‌های بین ۴۷۶ میلادی و حدود ۱۵۰۰ میلادی)، جمعیت شهرهای کوچک و بزرگ اروپایی، افزایش می‌یافت؛ شرایط بهداشتی بدتر می‌شد که [این موضوع] منجر به تعداد بسیاری از مشکلات سلامتی شد. دانش پزشکی محدود بود و علی‌رغم تلاش‌های پزشکان و سازمان‌های دولتی و مذهبی برای رواج دادن مقررات، اروپای قرون وسطی، سیستم درمانی کافی نداشت. آنتی‌بیوتیک‌ها تا قرن نوزدهم ابداع نشدند و درمان بیماری‌ها بدون آن‌ها تقریباً غیر ممکن بود.

۸۸ (۳) توضیح: عبارت آغاز شده در جای خالی در مورد عبارت پیش از جای خالی اطلاعات بیشتری ارائه می‌دهد؛ بنابراین در ابتدای گزینه صحیح به ضمیر موصولی (در این مورد which) نیاز داریم.

۸۹ (۲) (۱) زمین؛ زمینه، رشته (۲) مشکل (۳) شی؛ هدف (۴) کارکرد، عملکرد (تغییر بجزئی)

۹۰ (۳) (۱) متصل کردن؛ عضو شدن (۲) انتظار داشتن، توقع داشتن (۳) معرفی کردن؛ رواج دادن (۴) ارتباط برقرار کردن (هنر ۹۶)

۹۱ (۱) توضیح: فعل "invent" (اختراع کردن، ابداع کردن) متعدی است و باید بعد از آن مفعول بیاید. با توجه به این که بعد از جای خالی مفعول نیامده، جمله ساختار مجهول پیدا می‌کند و به فعل مجهول (گزینه‌های ۱، ۳ و ۴) نیاز داریم. علاوه بر این، به دلیل این که فعل جمله به امری اشاره دارد که آغاز و پایان آن در گذشته است فعل مجهول را در زمان گذشته ساده نیاز داریم.

۹۲ (۲) توضیح: با توجه به مفهوم جمله، وجود مصدر با to بعد از جای خالی و ساختار زیر، گزینه (۲) صحیح است:

It + to be + صفت + (for + مفعول) + to + مصدر با ...

گربه‌های خیابانی، هم روز و هم شب فعال هستند، هر چند آن‌ها اغلب شب کمی فعال‌تر هستند. زمان فعالیت گربه‌ها نسبتاً انعطاف‌پذیر و متغیر است، که به این معنی است [که] گربه‌های خانگی، صبح و عصر در واکنش به فعالیت بیشتر انسان‌ها در این زمان‌ها، کمی بیشتر فعال هستند اگرچه گربه‌های خانگی بیشتر وقتشان را در پیرامون خانه‌شان می‌گذرانند، آن‌ها می‌توانند چند صدمتر از این نقطه مرکزی را پرسه بزنند، و مشخص شده است [که] قلمروهایی را شکل می‌دهند که از نظر اندازه به نحو قابل توجهی متغیر هستند، در یک مطالعه از ۷ تا ۲۸ هکتار (۱۷ تا ۶۹ جریب) متغیر بود. گربه‌ها با خوابیدن بیشتر از اکثر حیوانات، انرژی ذخیره می‌کنند، به‌خصوص هنگامی که پیرتر می‌شوند. مدت روزانه خواب متغیر است، معمولاً بین ۱۲ و ۱۶ ساعت، در حالی که ۱۳ و ۱۴ [ساعت] متوسط هستند. بعضی از گربه‌ها می‌توانند تا ۲۰ ساعت بخوابند. اصطلاح "cat nap" (چرت گربه‌ای) برای استراحت کوتاه، به گرایش گربه برای خوابیدن (سبک) برای مدت زمانی کوتاه، اشاره دارد. گربه‌ها در حال خواب، دوره‌های کوتاهی از خواب دارای حرکت سریع چشم اغلب همراه با کشش‌های ماهیچه را تجربه می‌کنند، که حاکی از خواب دیدن آن‌ها است.

۹۳ (۴) طبق متن، گربه‌ها عموماً کمی فعال‌تر هستند.

(۱) وقتی از خانه‌شان بیرون برده می‌شوند (۲) بر مبنای این که چه قدر انعطاف‌پذیر هستند

(۳) در صبح و عصر (۴) در طول شب (هنر ۹۶)



■ مناسب‌ترین پاسخ ترجمه یا مفهوم را از [عربی] یا به عربی مشخص کن (۲۶-۳۵):

کلمات کلیدی: أَحَدَ عَشَرَ كُوكِبًا / رَأَيْتَهُمْ لِي (۲) ۲۶

مقایسه کلمات کلیدی در سایر گزینه‌ها:

أَحَدَ عَشَرَ كُوكِبًا: یازده ستاره (این کلمه به معنای «یازده ستاره» می‌باشد و کلمه دیگری در بین عدد و معدود نباید قرار بگیرد). [رد گزینه‌های (۳) و (۴)]
رَأَيْتَهُمْ لِي: آن‌ها را برای خودم دیدم. [رد سایر گزینه‌ها]

(ریاضی ۹۷)

کلمات کلیدی: يَكْرَمُ / الْكَرِيمُ / مَلَكَةٌ / اللَّيْمُ / تَمَرَّدَ (۲) ۲۷

مقایسه کلمات کلیدی در سایر گزینه‌ها:

يَكْرَمُ: گرامی بدارد [رد گزینه (۳)]
الكَرِيمُ: بزرگووار [رد گزینه (۱)]

(تغییر کلی)

مَلَكَةٌ: مالک و صاحب او می‌شود [رد گزینه (۳)]
اللَّيْمُ: انسان فرومایه [رد گزینه (۴)]

تَمَرَّدَ: نافرمانی می‌کند (فعل شرط به صورت مضارع التزامی و جواب شرط به صورت مضارع اخباری ترجمه می‌شود). [رد گزینه‌های (۱) و (۴)]

کلمات کلیدی: ما كُنْتُ أَسْتَطِيعُ / تَلَامِيذِي / قَد رَسَبُوا / فِي نَهَايَةِ السَّنَةِ (۳) ۲۸

مقایسه کلمات کلیدی در سایر گزینه‌ها:

ما كُنْتُ أَسْتَطِيعُ: نمی‌توانستم («کان + فعل مضارع»، معادل ماضی استمراری در فارسی است). [رد گزینه‌های (۱) و (۲)]

تَلَامِيذِي: دانش‌آموزانم [رد گزینه (۴)]

قَد رَسَبُوا: مردود شده‌اند («قد + فعل ماضی»: معادل ماضی نقلی ترجمه می‌شود). [رد گزینه‌های (۲) و (۴)]

(تغییر کلی)

فِي نَهَايَةِ السَّنَةِ: در پایان سال («السَّنَةُ» و «فِي» باید در ترجمه لحاظ گردد). [رد گزینه‌های (۱) و (۴)]

کلمات کلیدی: يَعِيشُ / يَتْرِكُ (۱) ۲۹

مقایسه کلمات کلیدی در سایر گزینه‌ها:

يَعِيشُ: زندگی می‌کند (فعل مضارع به صورت مضارع اخباری ترجمه می‌شود). [رد سایر گزینه‌ها]

(ریاضی ۹۷)

يَتْرِكُ: ترک کند (ترک می‌کند) (فعل مضارع است). [رد گزینه (۴)]

کلمات کلیدی: عِلْمَ الْبَشَرِ / وَسِيلَةَ / قَلِيلٍ / فِي الْعَالَمِ (۲) ۳۰

مقایسه کلمات کلیدی در سایر گزینه‌ها:

عِلْمَ الْبَشَرِ: دانش بشر، علم بشر («البشر» معرفه است و به صورت نکره ترجمه نمی‌شود). [رد گزینه (۱)]

وسيلة: وسیله‌ای (نکره است) [رد گزینه‌های (۱) و (۳)]

قَلِيلٍ: اندکی (این اسم نکره است و باید همراه «ی» ترجمه شود). [رد گزینه‌های (۳) و (۴)]

(ریاضی ۹۷)

فِي الْعَالَمِ: در عالم («در این عالم» نادرست است، زیرا کلمه «هَذَا» در عبارت عربی به کار نرفته است). [رد سایر گزینه‌ها]

کلمات کلیدی: كُلَّ يَوْمٍ / تَزَيَّنَ / السَّمَاءِ (۱) ۳۱

مقایسه کلمات کلیدی در سایر گزینه‌ها:

كُلَّ يَوْمٍ: هر روز (اگر اسم «كُلَّ» همراه با اسم نکره‌ای بیاید به صورت «هر» ترجمه می‌شود). [رد گزینه‌های (۳) و (۴)]

تَزَيَّنَ: می‌آراید (فعل مضارع از باب تفعیل است و معادل قید «کاملاً» در عبارت عربی نیست). [رد گزینه‌های (۲) و (۳)]

(ریاضی ۹۷)

السَّمَاءِ: آسمان (پس از فعل «تَزَيَّنَ» آمده است و نقش مفعول را دارد و کلمه «ظاهرة» فاعل می‌باشد). [رد گزینه (۲)]

کلمات کلیدی: أَعْرَضَ / هَوَى نَفْسَكَ / حَتَّى لَا يَصِلَ ضَرْهَ (۲) ۳۲

مقایسه کلمات کلیدی در سایر گزینه‌ها:

أَعْرَضَ: إِعْرَاضَ كُنْ، رُوی بَرگَرْدان (در گزینه‌های (۳) و (۴)، به ترتیب، «پرهیز کن» و «دوری کن» معادل درستی برای «أَعْرَضَ» نمی‌باشد). [رد گزینه‌های (۳) و (۴)]
هَوَى نَفْسَكَ: هوای نفس خود (اولاً «هَوَى» مفرد است و به معنای «هوای نفس»، «خواهش نفس» می‌باشد، ثانیاً: «نفس» مضاف‌الیه است نه صفت، پس

نباید به صورت «نَفْسَانِي» ترجمه شود). [رد سایر گزینه‌ها]

حَتَّى لَا يَصِلَ ضَرْهَ: تا ضرر (زبان) آن نرسد (فعل «حتى لا يصل» از «وَصَلَ - يَصِلُ» است، به معنای «تا ... نرسد»، و به عبارت دیگر این فعل «لازم»

است، نه متعدی، پس «تا ... نرسد» در گزینه‌های (۱) و (۴) نادرست هستند. ضمناً «ضَرْهَ» مفرد است و ضمیر همراه آن نیز باید در ترجمه لحاظ

(ریاضی ۹۳)

شود). [رد گزینه‌های (۱) و (۴)]

- ۱۵ (۲) کنایه: عنان از دست دادن کنایه از اختیار چیزی را از دست دادن / باد در دست داشتن کنایه از بی‌بهره ماندن
جناس تام: باد (جریان هوا) و باد (فعل دعایی)
جناس ناقص: باد و داد
تکرار: دست / باد (جریان هوا)
استعاره: عنان باد (اضافه استعاری)
- ۱۶ (۳) بررسی اثر: مثل درخت در شب باران: محمدرضا شفیعی کدکنی
- ۱۷ (۳) مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه (۳): تأثیر موسیقی، حتی بر جانوران
مفهوم سایر گزینه‌ها:
۱) جلوه‌گری معشوق موجب از خود بی‌خودی عاشق است. / بی‌اختیار بودن عشق
۲) عشق موجب بهره بردن از پدیده‌های شورانگیز است.
۴) وارونگی ارزش‌ها
- ۱۸ (۲) بیت (ب): وادی سوم (معرفت)
- ۱۹ (۱) مفهوم گزینه (۱): ستایش ممدوح، به دلیل توجه به اهل حق
- ۲۰ (۳) مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها: اهمّیت عنایت معشوق در توفیق عاشق
مفهوم مشترک بیت‌های گزینه (۳): وصال موجب آرامش است.
مفهوم سایر بیت‌ها:
الف) بی‌اختیار بودن عاشق در عشق
ج) خاکساری عاشق
- ۲۱ (۳) مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه (۳): عشق عامل هر جنبشی در جهان است. / عشق در سرشت همه پدیده‌ها وجود دارد.
مفهوم سایر گزینه‌ها:
۱) حیرت عاشق / سرشتی بودن عشق / ۲) دعوت به خاموشی / ۴) شورانگیزی و کمال‌بخشی عشق / شدت اشتیاق / طلب یار
- ۲۲ (۲) مفهوم گزینه (۲): توصیه به یاد خدا
مفهوم مشترک منظومه سؤال و سایر گزینه‌ها: حضور فراگیر خداوند
- ۲۳ (۲) مفهوم عبارت سؤال: میل به بازگشت به وطن / وطن‌دوستی
مفهوم گزینه (۲): لذت دوری از وطن / غربت‌پرستی
مفهوم سایر گزینه‌ها:
۱) وطن‌دوستی / ۳) رنج غربت / ۴) بازگشت به وطن / طلب دوست
- ۲۴ (۳) مفهوم گزینه (۳): توصیه به تلاش و نکویش تبلی و سوء استفاده از مفهوم توکل
مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها: توصیه به توکل
- ۲۵ (۳) مفهوم بیت‌های گزینه (۳):
ب) ترک تعلّق و تعین / ه) به مقام ارشاد رسیدن / د) به ثمر نشستن / ج) نکویش تقلید / الف) تمنای محبّت

زبان عربی

■ مناسب‌ترین پاسخ ترجمه یا مفهوم را از [عربی] یا به عربی مشخص کن (۲۶-۳۵):

- ۲۶ (۱) کلمات کلیدی: أَعَدَّ / جَنَّتْ تجري / الأَنْهَارُ
مقایسه کلمات کلیدی در سایر گزینه‌ها:
أَعَدَّ: فراهم کرده است، آماده کرده است (این فعل ماضی و للغائب است). [رد گزینه (۲)]
جَنَّتْ تجري: باغ‌هایی که جاری است («جَنَّتْ» اسم نکره است و «تجري» فعل مضارع و لازمی است که در قالب جمله وصفیه قرار گرفته است. در ترجمه قبل از جمله وصفیه باید حرف «که» قرار بگیرد، ضمناً فعل نیز باید به صورت لازم ترجمه شود نه متعدی.) [رد گزینه‌های (۳) و (۴)]
الأَنْهَارُ: رودها، نهرها (اسم معرفه است). [رد گزینه‌های (۲) و (۴)]
- ۲۷ (۴) کلمات کلیدی: الابتسام على الحياة / يقوِّيك / إنجاز / الأمور العظيمة
مقایسه کلمات کلیدی در سایر گزینه‌ها:
الابتسام على الحياة: لبخند زدن به زندگی «الابتسام» به معنای «لبخند» و «لبخند زدن» است، و «خندیدن» در گزینه‌های (۱) و (۲) معادل درستی برای آن به شمار نمی‌رود و «زنده ماندن» و «حیات داشتن» و «برای» نیز به ترتیب در گزینه‌های (۲) و (۳)، معادل درستی برای «الحياة» و «على» نیست. [رد سایر گزینه‌ها]

بررسی سایر گزینه‌ها:

۴۲ (۲)

- (۱) اسم فاعل ← اسم تفضیل (الآخر) بر وزن «أفعل» اسم تفضیل است.
 (۳) اسم فاعل من فعل مزید ثلاثی ← اسم تفضیل من فعل مجرد ثلاثی / فاعل ← مفعول (با توجه به معنای عبارت، به راحتی به مفعول بودن این واژه پی می‌بریم).

(تغییر کلی)

- (۴) من فعل مزید ثلاثی ← من فعل مجرد ثلاثی / فاعل ← مفعول
 ■ [گزینه] مناسب را برای پاسخ به سؤالات زیر مشخص کن (۴۳-۵۰):

۴۳ (۲)

- [گزینه] نادرست را در حرکت‌گذاری حروف مشخص کن:
 تُمَرَّرُ ← تُمَرَّرُ (زیرا «عیش» مفعول است و فعل قبلش باید معلوم باشد).
 أَنْتِ ← أَنْتِ (زیرا «تُمَرَّرُ» صیغه للمخاطب است).
 ترجمه گزینه‌ها:

- (۱) گویی خشنود ساختن همه مردم، هدفی است که به دست آورده نمی‌شود.
 (۲) چه بسیار زندگی‌ام را تلخ می‌کنی درحالی‌که تو حامل عسل هستی.
 (۳) درخت سکویا درختی است از بلندترین درختان جهان در کالیفرنیا.
 (۴) واژگان عربی در زبان فارسی به دلیل عامل دینی بیشتر شد.

(تغییر کلی)

۴۴ (۴)

[گزینه] نادرست را مشخص کن:

ترجمه گزینه‌ها:

- (۱) بیماری: همان مرضی است که برای انسان یا برخی موجودات زنده رخ می‌دهد.
 (۲) پا: عضوی از بدن انسان است که بر آن می‌ایستد و با آن راه می‌رود.
 (۳) لبخند: خنده بدون صدا است.
 (۴) مس: چیزی است که از طلاگران تر است و کاربردهای فراوانی دارد.

(تغییر کلی)

توضیح: در گزینه (۴) گفته شده «مس» از «طلا» گران تر است که نادرست است.
 آنچه را که ممکن است ماضی باشد، مشخص کن:

۴۵ (۱)

- «تَقَدَّمَ» در گزینه (۱) فعل ماضی و «لِلغَائِبِ» است. / «لِیکتسبوا» نیز فعل مضارع به همراه «لِ» و «لِلغَائِبِین» است.
 ترجمه عبارت: دوستانم در فیزیک پیشرفت کردند، تا جایزه نوبل را بگیرند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

- (۲) «شاهدوا» فعل «امر» «لِلْمُخَاطَبِینَ» و «حَتَّى تَسْتَفِيدُوا» فعل مضارع «لِلْمُخَاطَبِینَ» است.
 ترجمه: ای دوستانم، این فیلم را مشاهده کنید تا در پژوهش‌ها از آن استفاده کنید.
 (۳) «أُفْتَرِبُ» فعل امر از باب «إفْتعال» صیغه «لِلْمُخَاطَبِ» می‌باشد و «لِیَنْصُرْکَ» فعل مضارع همراه «لِ» و «لِلغَائِبِ» است.
 ترجمه: در همه احوال به خدا نزدیک شو تا در زندگی تو را یاری کند.
 (۴) «طَلَبْتُ» در این جمله مصدر به معنای «درخواست» می‌باشد و «یَدُلُّ» فعل مضارع و «لِلغَائِبِ» است.
 ترجمه: خواستن کمک از ستمگران، انسان را خوار می‌گرداند.

(تغییر جزئی)

۴۶ (۳)

- جواب شرط را که در آن خبر موصوف باشد، مشخص کن:
 در عبارت گزینه (۳) «فَهُوَ عَلِيمٌ یَعْلَمُ ...» جواب شرط است و «علیمٌ» نقش خبر و «یَعْلَمُ» پس از آن نقش جمله وصفیه را دارد.
 ترجمه عبارت: هرچه از اموال برای نزدیکی به خدا انفاق کنی [بدان که] او دانایی است که چیزی را که انجام می‌دهی، می‌داند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

- (۱) «مرافق» خبر است و برای ضمیر «لِکَ» مضاف شده است.
 ترجمه: اگر اجازه دهی من همنشین تو در این سفر برای کمک باشم.
 (۲) «لَنْ تَحْزَنَ» خبر و فعل است و موصوف نمی‌باشد.
 ترجمه: اگر با معبود باشی، تو از زیادی سختی‌ها اندوهگین نخواهی شد.
 (۴) «لَا یَسْتَطِیعُ» نقش خبر را دارد که یک فعل است و موصوف نمی‌باشد.
 ترجمه: هرکس به این باغ برای دیدن گل‌ها وارد شود او نمی‌تواند که برگردد.

(تغییر جزئی)

مفهوم گزینه (۴): عدالت موجب حفظ شخص عادل است. (۴) ۱۸

(ریاضی ۹۸)

مفهوم مشترک عبارت سؤال و سایر گزینه‌ها: توصیه به عدل و دادگری

مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه (۱): نکوهش عافیت‌طلبی و توصیه به تحمل دشواری‌های راه عشق / دشواری عشق‌ورزی (۱) ۱۹

بررسی سایر گزینه‌ها:

(ریاضی ۹۸)

۲ و ۳) رهایی ناپذیری از عشق / غفلت از سستی اساسی یک پدیده و پرداختن به ظواهر و حواشی آن

مفهوم گزینه (۲): وحدت وجود (۲) ۲۰

(ریاضی ۹۸)

مفهوم مشترک بیت سؤال و سایر گزینه‌ها: تقابل عشق و عقل، و غلبه عشق

مفاهیم ابیات مورد سؤال: (۳) ۲۱

ج) ستایش زیبایی معشوق به تعبیری توصیف وصال و توصیه به غنیمت شمردن فرصت بهره‌مندی از یار / به تصور و بیان طراح: غبطه خوردن بر عاشق

ب) سازگاری درد عشق با عاشق / به تصور و بیان طراح: پذیرفتن سختی عشق

د) تقابل عشق با همه دردها و گرفتاری‌ها / به تصور و بیان طراح: فراغت به واسطه عشق

(ریاضی ۹۸)

الف) عشق موجب بی‌پروایی است. / به تصور و بیان طراح: توکل

دقت کنیم! نام‌گذاری طراح بر مفاهیم، معمولاً کلی، مبهم و کاملاً خالی از درک ظرافت‌های شعر است. در پاسخ‌گویی به این تیپ سؤال، حتماً این نکته

را مورد توجه قرار بدهید و گزینه درست را تنها در مقایسه با سایر گزینه‌ها انتخاب کنید.

مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه (۴): ناپایداری دنیا (۴) ۲۲

بررسی سایر گزینه‌ها:

(ریاضی ۹۸)

۱) جاودانگی عشق در وجود عاشق / ۲) ستایش زیبایی معشوق و بی‌همتایی او / ۳) بی‌همتایی معشوق

مفهوم گزینه (۲): رهایی ناپذیری از عشق / بی‌ارزش بودن زندگی بدون عشق (۲) ۲۳

(ریاضی ۹۸)

مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها: پاک‌بازی و جان‌فشانی عاشق

در گزینه (۴) از میان زمینه‌های چهارگانه حماسه، زمینه «ملی» به چشم می‌خورد و زمینه «داستانی» آن هم، روایت را به پیش می‌برد. (۴) ۲۴

ویژگی مشترک حماسه در سایر گزینه‌ها «خرق عادت» است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

(ریاضی ۹۸)

۱) رویین تنی اسفندیار / ۲) بی‌هماورد بودن در سن کودکی / ۳) عمر هزارساله ضحاک

مفهوم گزینه (۲): ترک تعلقات / نفی وجود مادی، زمینه‌ساز درک حقایق جهان هستی است. (۲) ۲۵

مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها: ترک آسایش، تعلق و وجود مادی

خطای علمی سؤال: روشن است که گزینه (۲) هم کاملاً مفهوم مورد سؤال، یعنی «عدم تعلق و وابستگی» را در خود دارد. موضوع این است که طراح سؤال،

متوجه مفهوم بیت نشده و تصور کرده مخاطب دعوت شده به این که تن، جان، گوهر، کان، ایمان و همه این‌ها را «بنگرد»؛ در حالی که مفهوم دقیقاً عکس این

است و منظور این است که تن و گوهر، نسبت به جان و کان بی‌ارزش‌اند، ظاهرند، تعلق و وابستگی‌اند و باید کنار گذاشته شوند تا به حقیقت برسند. (ریاضی ۹۸)

زبان عربی

■ مناسب‌ترین پاسخ ترجمه یا مفهوم را از [عربی] یا به عربی مشخص کن (۲۶-۳۵):

کلمات کلیدی: إِنَّمَا / رَسُولُهُ / الَّذِينَ / آمَنُوا (۱) ۲۶

مقایسه کلمات کلیدی در سایر گزینه‌ها:

إِنَّمَا: فقط، تنها [رد سایر گزینه‌ها]

رسوله: پیامبرش [رد گزینه (۳)]

الَّذِينَ: کسانی که [رد سایر گزینه‌ها]

(ریاضی ۹۸)

آمَنُوا: ایمان آوردند، ایمان آورده‌اند [رد سایر گزینه‌ها]

کلمات کلیدی: يَتَرَاكُمُ / بخار الماء / فِي السَّمَاءِ / يَتَشَكَّلُ / الغيمُ / يُعَدُّ / منشأ المطر (۱) ۲۷

مقایسه کلمات کلیدی در سایر گزینه‌ها:

يَتَرَاكُمُ: متراکم می‌شود [رد گزینه‌های (۲) و (۳)]

بخار الماء: بخار آب [رد گزینه‌های (۲) و (۳)]

فِي السَّمَاءِ: در آسمان [رد گزینه (۲)]

يَتَشَكَّلُ: تشکیل می‌گردد [رد سایر گزینه‌ها]

الغيم: ابر [رد گزینه‌های (۳) و (۴)]

يُعَدُّ: به شمار می‌آید [رد سایر گزینه‌ها]

منشأ المطر: منشأ باران [رد گزینه (۳)]

(ریاضی ۹۸)

ترکیب وصفی: این معلّم / معلّم شریف / معلّم باسواد (۴) ۱۲

این نویسنده / نویسنده بزرگ / این نامه / این نویسنده / چه حد (۸ مورد)

وابسته پیشین: این / این / این / این / چه (۵ مورد)

اجزای جمله در گزینه (۲): خداوند زر چشم دیو برکند (۲) ۱۳

(نهار) (مفعول) (فعل)

بررسی سایر گزینه‌ها:

(تجربی ۹۸)

(تجربی ۹۸)

۱) [تو] درون فروماندگان شاد کن / ۳) [من] سیرت سروران کرم خوانده‌ام / ۴) مژگان تو دل را هدف تیر ستم ساخت
(نهار) (مفعول) (مسند) (فعل) (نهار) (مفعول) (مسند) (فعل)

بررسی مسند در جملات گزینه (۳): (۳) ۱۴

ب) صبح نشاط، شام شد. / خواب خوشم حرام شد. / باده خوش‌گوار هم [حرام] شد. (۳ مورد)

ج) خاک کف پای تو شوم. / من بر این [عقیده و تصمیم] [استوار] هستم. / مگر بخت موافقم نشود. (۳ مورد)

بررسی سایر جملات:

الف) در عالم زیبایی تو خواجه معروفی. / در گوشه تنهایی من بنده گمنامم. (۲ مورد)

د) با وجود تو ما را امیدی نمانده است. / که رخ خوب تو دیباچه هر امید است. (۱ مورد)

خطای علمی سؤال: علاوه بر اینکه به طور کلی انتخاب هر دو بیت «ب» و «ج» برای این سؤال از اساس، نادرست بوده است، چند اشکال مهم و قابل

توجه در بررسی جملات اسنادی این دو بیت وجود دارد:

در بیت «ب»، درست است که جمله پایانی هم، اسنادی است، اما مسند و فعل آن حذف شده‌اند و چنین جمله‌ای را در شمارش جملات اسنادی به شمار

می‌آوریم، اما در شمارش «مسند» نه! منظور از «تعداد یک نقش»، همیشه تعداد واژه‌هایی بوده که آن نقش را دارند و در جمله «دیده می‌شوند»، «مرئی

هستند»، «حضور دارند»، نه اجزای حذف شده!

(تجربی ۹۸)

جمله‌های اسنادی در بیت: (۳) ۱۵

دلم به تو نگران است. / [تو] نگران باش.

(نهار) (مسند) (فعل) (نهار) (مسند) (فعل)

خطای علمی سؤال: با توجه به گزینه (۳)، گزینه (۱) یعنی مفعول نداشتن بیت باید نادرست باشد! یعنی طراح بیت را دارای مفعول فرض کرده‌اند، در

حالی که در دو جمله گذرا به مفعول بیت - «گفتا» و «گو» - مفعولی دیده نمی‌شود. مفعول این جملات حذف شده و طراح بر اساس برخی منابع دوره

دانشجویی خود - اگر ادبیات فارسی خوانده باشند - جملات بعد از فعل «گفتن» را «مفعول» تصور فرموده‌اند!

(تجربی ۹۸)

معانی مختلف «ان» در مصراع‌های گزینه (۴): (۴) ۱۶

د) سیاه‌کاران (نشانه جمع) / ب) سرگردان (نشانه صفت فاعلی) / ج) جانان (نشانه نسبت)

خطای علمی سؤال: طرح سؤال از «ان» در واژه «جانان» کاملاً نادرست بوده است، با توجه به این که، با نمونه‌های دیگر «ان» - نسبت، برای دانش‌آموز

قابل مقایسه و تشخیص نیست و درباره این‌طور نمونه‌های خاص، فقط اشاره کتاب درسی می‌تواند ملاک طرح سؤال باشد و کتاب از چنین نمونه‌ای نام

(تجربی ۹۸)

نبرده است. تنها با ردّ گزینه می‌توان به سؤال، پاسخ داد.

مفهوم گزینه (۱): ستایش دادگری ممدوح (۱) ۱۷

مفهوم مشترک بیت سؤال و سایر گزینه‌ها: تحمّل دشواری‌های راه عشق به امید وصال معشوق

(تجربی ۹۸)

مفهوم گزینه (۲): لزوم رفتار متقابل، با مخاطب / فروتنی در برابر نیکان نشانه احترام و در برابر افراد پست، مایه خواری‌ست. (۲) ۱۸

(تجربی ۹۸)

مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها: ستایش فروتنی

مفهوم گزینه (۱): انتظار کشیدن برای فرارسیدن عذاب / به طور ضمنی، اشاره به مکافات عمل (۱) ۱۹

مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها: انتظار!

خطای علمی سؤال: سؤال، بی‌مایه و نامفهوم و بی‌ارتباط به مفاهیم کتاب درسی و روی هم، کاملاً نادرست است. طراح سؤال، تنها با جست‌وجو (search)

کردن واژه‌های «منتظر» و «انتظار» در چهار بیت کاملاً متفاوت، به دنبال قرابت معنایی بوده است. با توجه به ظاهرینی طراح و دو واژه «قهر» در گزینه (۱)

ایشان آن بیت را «متفاوت» و بقیه را «مشابه» تصور کرده است.

مفاهیم درست در سایر گزینه‌ها:

(تجربی ۹۸)

۲) نکوهش تقدیرگرایی / ۳) توصیه به همت، تلاش، تکاپو و نکوهش سستی / ۴) گله از ناکامی و بی‌هم‌زبانی

[گزینه] نادرست را (در تفضیل) مشخص کن:

۴۵ (۴)

برای مقایسه دو اسم مؤنث، اسم تفضیل بر وزن «أفعل» می آید که در گزینه (۴) باید از اسم تفضیل «أصغر» استفاده می شد.

ترجمه گزینه ها:

(۱) هیچ شکی نیست که زبان قرآن از همه زبان های دیگر رساتر است. (۲) خواهر کوچک ترم همان دانش آموز بزرگ تر در کلاس است.

(۳) معلمان ما در مدرسه از برترین معلمان کشور هستند. (۴) این دانش آموز کوچک تر از همکلاسی هایش در کلاس است. (انسانی ۹۸)

[گزینه] درست را مشخص کن:

۴۶ (۱)

بررسی گزینه ها:

(۱) بیست ریال ضرب در پنج، مساوی صد ریال است.

(۲) نود ریال منهای بیست [ریال]، مساوی شصت ریال است. (سبعین ریالاً: هفتاد ریال)

(۳) یازده ریال به علاوه نه، مساوی هفت ریال است. (عشرین ریالاً: بیست ریال)

(۴) هشتاد ریال تقسیم بر بیست، مساوی چهار ریال است. (أربعة ریالات: چهار ریال) (انسانی ۹۸)

مفعول را که برای جمله موصوف است، مشخص کن:

۴۷ (۴)

جمله وصفیه، جمله ای است که اسم نکره ای را توضیح می دهد. (طائرًا: موصوفی که نقش مفعول دارد، ینقر: جمله وصفیه. باید توجه نمود که در گزینه

(۲) نیز «فریسه» نقش مفعول دارد اما «أكبر» صفت مفرد برای «فریسه» می باشد نه جمله وصفیه.)

ترجمه گزینه ها:

(۱) ای پروردگارم از تو تشکر می کنم که آفرینشتم را نیکو گردانیدی.

(۲) گاهی تمساح شکاری بزرگ تر از دهانش را می خورد.

(۳) گلت را بزن (ثبت کن) و با نیرو و اراده به سوی او برو.

(۴) آیا پرنده ای را می شناسی که برای ساختن لانه، تنه های درختان را نوک می زند؟ (انسانی ۹۸)

مضارع را که امکان دارد معادل ماضی استمراری در فارسی باشد، مشخص کن:

۴۸ (۲)

توجه: ماضی استمراری فارسی در عربی به سه حالت می آید؛

الف) کان + مضارع (ب) ماضی + مضارع در جمله وصفیه و حالیه (ج) لیت + ماضی

ترجمه گزینه ها:

(۱) برنامه ای را برای تو خواهیم یافت که تو را در همه درس های یاری کند.

(۲) در راه سفر مناظری را دیدم که زیبایی آن ها مرا متعجب می کرد (از زیبایی آن ها خوشم می آمد). (شاهدتُ دیدم) + یعجبني ...: مرا متعجب می کرد

(۳) عاقل در کارهایش از راستگو مشورت می گیرد تا او را به حقایق نزدیک کند.

(۴) بعضی از ما درباره همه آنچه از آن آگاهی می یابد سخن می گوید و این کار نادرست است. (انسانی ۹۸)

فعل ناقص را که به زمان گذشته دلالت نمی کند، مشخص کن:

۴۹ (۳)

بررسی گزینه ها:

(۱) فرهنگ خوبی داشت. (کان + ل: داشت؛ که بر زمان گذشته دلالت می کند.)

(۲) درس پُر از سؤال بود. (کان: بود؛ که بر زمان گذشته دلالت می کند.)

(۳) زمین در بهار سرسبز است. (کان: است؛ که بر زمان حال دلالت می کند.)

(۴) در زندگی اخلاق نیکویی داشتند. (کان + ل: داشت؛ که بر زمان گذشته دلالت می کند.) (انسانی ۹۸)

آنچه را که در آن منادی نیست، مشخص کن:

۵۰ (۳)

توجه: هرگاه جمله حالت خطاب در ترجمه فارسی داشته باشد، آن جمله منادا دارد.

ترجمه گزینه ها:

(۱) ای مادر! چه کسی می تواند مانند تو، بدون هیچ منتهی، مرا دوست بدارد؟

(۲) پروردگارا! همانا من از تو می خواهم که همه عیب هایم را نزد دشمنانم ببوشانی.

(۳) قوم دوستم همان کسانی هستند که در سختی ها به یک دیگر کمک می کنند. (چون در ترجمه حالت خطاب ندارد، منادا ندارد.)

(۴) ای فرزند! نظافت طبیعت را حفظ کن و نزد دوستانت بر آن تأکید کن. (انسانی ۹۸)



زبان و ادبیات فارسی

- ۱ (۴) معنی درست واژه: کباده: وسیله‌ای کمائی شکل در زورخانه از جنس آهن که در یک طرف آن رشته‌ای از زنجیر یا حلقه‌های آهنی متعدّد قرار دارد. (شرح عمومی ۹۸)
- ۲ (۱) معنی درست واژه: خایب: ناامید، بی بهره (شرح عمومی ۹۸)
- ۳ (۱) معنی درست واژه‌ها: آخته: بیرون کشیده، برکشیده / معوج: کج / سجّیه: خو، خصلت، خلق / شگرف: قوی، نیرومند (شرح عمومی ۹۸)
- ۴ (۲) املاي درست گروه واژه در سایر گزینه‌ها:
 ۱) زرخدان و چانه (۳) / شائبه و گمان (۴) / مار غاشیه / اشباه و ماندها (شرح عمومی ۹۸)
- ۵ (۳) املاي درست واژه: مؤنث (هزینه زندگی) (شرح عمومی ۹۸)
- ۶ (۴) املاي درست واژه: مردارخوار (خار: تیغ) (شرح عمومی ۹۸)
- ۷ (۲) کتاب‌های مرصادالعباد (نجم دایه)، روضه خلد (مجد خوفی)، کلیله و دمنه (نصرالله منشی) و جوامع‌الحکایات (محمّد عوفی) همگی به نثر آمیخته به نظم نوشته شده‌اند. (شرح عمومی ۹۸)
- ۸ (۱) تشبیه‌ها: تو به خورشید / حَسَن به ایوان / من به دَرّه / عشق به میدان (۴ مورد) (شرح عمومی ۹۸)
- بررسی سایر گزینه‌ها:
 ۲) فراق به شب [به تعبیری] / عشق به زندان (دست بالا ۲ مورد) / ۳) فکرت به سوزن / طاقبت به رشته (۲ مورد) / ۴) سخن به زلف / سخن به کار جهان (۲ مورد) (شرح عمومی ۹۸)
- ۹ (۱) در این گزینه «سر» در معنی حقیقی خود (اندام فوقانی) به کار رفته است. (شرح عمومی ۹۸)
- بررسی سایر گزینه‌ها:
 ۲) سر مجاز از اراده و قصد (به تعبیری) / ۳) سر (اول) مجاز از جان / سر (دوم) مجاز از فکر و خاطر / ۴) سر مجاز از نیت و تصمیم (شرح عمومی ۹۸)
- ۱۰ (۳) ایهام: — / تلمیح: اشاره ضمنی (در قالب آرایه ایهام تناسب) به داستان خسرو و شیرین (با توجه به معانی دیگر «شیرین» و «شکر» که در این بیت، مورد نظر نیست). (شرح عمومی ۹۸)
- بررسی سایر گزینه‌ها:
 ۱) پارادوکس: این که کمند، سرحلقه نجات باشد. / این که صید کمند شدن سرآغاز رستن (رها شدن) باشد. // تشبیه: زلف به کمند / کمند زلف به سرحلقه نجات (۲) تشبیه: امید به صبح / استعاره: جان بخشی به امید و نسبت دادن خنده به آن، تشخیص و استعاره است. (شرح عمومی ۹۸)
- ۴) حسن تعلیل: علت خمیدگی و هلالی شکل بودن ماه، زیر بار مَت بودن آن دانسته شده است. // استعاره: جان بخشی به آفتاب و ماه، تشخیص و استعاره است. (شرح عمومی ۹۸)
- ۱۱ (۲) بررسی آرایه‌ها:
 تشبیه (ب): دل به کعبه
 مجاز (د): دل مجاز از خاطر یا وجود (به تعبیری) / دم مجاز از سخن
 حس آمیزی (الف): صحبت رنگین
 اسلوب معادله (ج): فروغ داغ عشق / دل / غوطه در خون دادن = خورشید عالم تاب / سنگ / رنگین کردن (شرح عمومی ۹۸)
- ۱۲ (۲) بررسی سایر گزینه‌ها:
 ۱) حلقه زلف سیاهش
 ۲) غلام همّت آن رند
 ۳) آن زیارتگه زندان جهان (شرح عمومی ۹۸)
- ۱۳ (۲) اجزای اصلی جمله‌ها در گزینه (۲): گر [تو] به ناز بخرامی / [تو] جهان خراب کنی
 نهاد فعل نهاد مفعول مسند فعل نهاد فعل نهاد مفعول مسند فعل
- بررسی سایر گزینه‌ها:
 ۱) ای یار (جمله ندایی) / [تو] با من رنجور ناتوان بساز
 نهاد متمم فعل نهاد متمم فعل
 ۲) [ما] به کام دل نرسیدیم / جان به حلق رسید
 نهاد فعل نهاد فعل نهاد فعل
 ۳) خاک سر کوی دوست، آب حیات من است
 نهاد مسند فعل نهاد مسند فعل (شرح عمومی ۹۸)

۲۷ (۴)

کلمات کلیدی: لا یَعْتَرُّ ... أبداً / یَعْلَم / سراب / یرى فیها ما لا وجود له
مقایسه کلمات کلیدی در سایر گزینه‌ها:

لا یَعْتَرُّ ... أبداً: هرگز فریب نمی خورد [رد گزینه‌های (۱) و (۲)]
یَعْلَم: می داند [رد گزینه‌های (۱) و (۲)]
سراب: سرابی [رد گزینه (۲)]

یرى فیها ما لا وجود له: که در آن چیزی را می بیند که اصلاً وجود ندارد («یری» فعل معلوم است و به معنی «می بیند» که در گزینه‌های (۱) و (۲) ترجمه نشده و در گزینه (۳) به صورت مجهول ترجمه شده است.) [رد سایر گزینه‌ها]

(طرح انسانی ۹۸)

۲۸ (۴)

کلمات کلیدی: قد تکره / جعله خیراً لك / قد تحب / جعله شراً لك
مقایسه کلمات کلیدی در سایر گزینه‌ها:

قد تکره: گاهی ناپسند می شماری (هرگاه «قد» بر سر فعل مضارع بیاید، معنی «گاهی» یا «شاید» می دهد.) [رد گزینه (۱)]
جعله خیراً لك: آن را برای تو خیر قرار داده است [رد سایر گزینه‌ها]
قد تحب: گاهی دوست داری [رد گزینه (۱)]

(طرح انسانی ۹۸)

۲۹ (۳)

کلمات کلیدی: أصیبت ... بـ / الشعوب المختلفة / دینهم / الخرافات / الأنبیاء / بیئوا
مقایسه کلمات کلیدی در سایر گزینه‌ها:

أصیبت ... بـ: دچار شدند، دچار گردیدند [رد گزینه‌های (۱) و (۲)]
الشعوب المختلفة: ملت‌های مختلف (اسم نکره در ترجمه «ی» می گیرد نه اسم معرفه.) [رد گزینه‌های (۲) و (۴)]
دینهم: دین خود [رد گزینه‌های (۱) و (۲)]
الخرافات: خرافات [رد سایر گزینه‌ها]

الأنبیاء: پیامبران (در ترجمه، «پیامبران» پس از «اما» ذکر می گردد و هیچ ضمیری نیز پس از آن قرار نگرفته است.) [رد گزینه‌های (۱) و (۲)]
بیئوا: روشن کردند، بیان کردند [رد گزینه‌های (۲) و (۴)]

(طرح انسانی ۹۸)

۳۰ (۲)

کلمات کلیدی: کان ... یُحصی / الطالب الناجح / مشاكل
مقایسه کلمات کلیدی در سایر گزینه‌ها:

کان ... یُحصی: می شمرد [رد گزینه (۴)]
الطالب الناجح: دانش آموز موفق [رد گزینه‌های (۱) و (۳)]
مشاكل: مشکلاتی [رد گزینه (۴)]

(تغییر جزئی)

۳۱ (۲)

کلمات کلیدی: اهتَموا ... اهتماماً بالغا / بنظافة / مهذبات
مقایسه کلمات کلیدی در سایر گزینه‌ها:

اهتَموا ... اهتماماً بالغا: بسیار توجه کنید (هرگاه مفعول مطلق دارای صفت باشد، خود صفت ترجمه می شود و مفعول مطلق ترجمه نمی شود و صفت «بالغا» به معنی «بسیار» است.) [رد سایر گزینه‌ها]
بنظافة: به نظافت [رد گزینه‌های (۳) و (۴)]

(طرح انسانی ۹۸)

۳۲ (۱)

کلمات کلیدی: هذان النوعان / السمك / كل منهما / يعيش ... عيشة / تعجبنا
مقایسه کلمات کلیدی در سایر گزینه‌ها:

هذان النوعان: این دو نوع (هرگاه اسم اشاره مثنی یا جمع بر سر اسم «ال» دار بیاید، آن اسم اشاره به صورت مفرد ترجمه می شود.) [رد گزینه‌های (۳) و (۴)]
السمك: ماهی [رد گزینه‌های (۲) و (۳)]
كل منهما: هر یک از آن‌ها [رد گزینه (۲)]
تعجبنا: ما را متعجب می کند [رد گزینه‌های (۳) و (۴)]

(طرح انسانی ۹۸)

۳۳ (۱)

[گزینه] درست را مشخص کن:
بررسی سایر گزینه‌ها:

(۲) به خوبی بشنوید ← بدون تردید گوش بدهید (جمله دارای مفعول مطلق تأکیدی «تستمعوا ... استماعاً» است. / سمع: شنید / استمع: گوش داد)
(۳) می خوانم ← خواهیم خواند (هرگاه «س» یا «سوف» بر سر فعل مضارع بیاید، به صورت آینده مثبت ترجمه می شود.)
(۴) که از آن‌ها عبرت‌های تأثیرگذار می گیرید ← که از آن‌ها فقط عبرت تأثیرگذار (که از آن‌ها فقط عبرت تأثیرگذار می گیرید.)، (جمله دارای اسلوب حصر بوده و «العبرة» مفعول برای فعل منفی «لا تأخذون» می باشد.)

(طرح انسانی ۹۸)



۱۱ (۴) ایهام تناسب: عود: ۱- نام درختی با چوبی خوش عطر (معنی درست) ۲- نوعی ساز (معنی نادرست، متناسب با بریط) ساز: ۱- سازگاری کردن (معنی درست) ۲- ابزار موسیقی (معنی نادرست، متناسب با بریط)

جناس: می‌ساختم، می‌سوختم / سوز، ساز / بود، عود

توجه: به احتمال زیاد واژه «ساختن» و معانی آن از نگاه طراح دور مانده:

ساختن: ۱- سازگاری (معنی درست) ۲- نواختن ساز (معنی نادرست، متناسب با بریط)

این فضای معنوی را دوست پدرم از سالیان پیش، ترتیب داده بود.

مفعول نهاد متمم قیدی فعل

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) دانشجویان تازه وارد با وضعیت کنونی خوابگاه کنار آمدند.

نهاد متمم فعل

(۲) [من] از ابتدای برنامه شور و هیجان خاصی در وجود معلم احساس می‌کردم.

نهاد متمم قیدی مفعول متمم قیدی فعل

(۴) [من] در شرایط سخت و طاقت‌فرسای اسارت همه چیز را مخفی می‌کردم.

نهاد متمم قیدی مفعول مسند فعل

توجه: این سؤال خارج از بودجه در نظر گرفته شده کنکور سراسری است.

۱۳ (۱) شعر حافظ / زمان آدم / باغ خلد / زینت اوراق / اوراق دفتر (را فک اضافه: دفتر ... را زینت اوراق) / دفتر نسرین / دفتر گل [۷ مورد]

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۲) دم صبح / صبح ازل / آخر شام / شام ابد [۴ مورد]

(۳) رشته تسبیح / دستم / ساعد ساقی [۳ مورد]

(۴) حسن مهربان / مهربان مجلس / بحث ما / لطف طبع / خوبی اخلاق [۵ مورد]

(ب) صاف این سر خم

صفت مضاف‌الیه مضاف‌الیه مضاف‌الیه

(د) گرد لب جانبخش تو

صفت مضاف‌الیه مضاف‌الیه مضاف‌الیه

بررسی وابسته‌های وابسته در سایر ابیات:

(الف) -

(ج) خنده جام می

مضاف‌الیه مضاف‌الیه

توجه: با توجه به اشکالی که در صورت سؤال وجود داشت مجبور به تصحیح آن شدیم.

۱۵ (۱) بررسی نقش‌های دستوری در شکل مرتب شده بیت سؤال:

هرکس که عمر خود صرف شادمانی کرده است

نهاد مفعول

حاصلش از زندگی چون گل گریه تلخ است.

نهاد مسند

۱۶ (۳) [تو] به روزگار سلامت سلاح جنگ بساز

نهاد متمم قیدی مفعول فعل

توجه: حل این سؤال با توجه به منابع کنکور نظام جدید و این‌که دانش‌آموزان چیزی درباره تفاوت انواع متمم نمی‌دانند، غیرممکن است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) مفعول‌ها: علاج / سود / سلاح / سد

توجه: درک معنی فعل «گرفتن» در این بیت (در معنی افعال شروع) در محدوده دانشی دانش‌آموزان نیست.

(۲) جمله‌های غیرساده (مرکب):

«چو رفت کار از دست دریغ سود ندارد

چو سیل بگرفت سد نشاید بست» [۲ مورد]

(۴) ترکیب وصفی: —

ترکیب‌های اضافی: علاج واقعه / روزگار سلامت / سلاح جنگ [۳ مورد]

۶۵ (۱)

از آنجا که خداوند، زنان را بیش از مردان به نعمت زیبایی و جمال آراسته است؛ بنابراین به پوشش زنان توجه ویژه‌ای نیز داشته است. یکی از وظایف مشترک میان مردان و زنان، این است که زنان با زینت و زیورآلات، برای نامحرم جلب توجه نکنند و مردان نیز لباسی بپوشند که موجب جلب نامحرم یا انگشت‌نما شدن نباشد. دقت شود که نعمت جلال، به معنای وقار بیشتر در مردان است. [دلیل نادرستی گزینه‌های (۳) و (۴)] (هنر ۹۹)

۶۶ (۱)

مایه حیات جهان مادی و اساس زندگی، آب است که در آیه شریفه ﴿وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ﴾ مورد توجه واقع شده است. زیبایی و اعجاز لفظی قرآن کریم، سبب نفوذ خارق‌العاده آن در افکار و قلوب در طول تاریخ بوده است. علل فرستادن پیامبران متعدد عبارتند از: الف) استمرار و پیوستگی در دعوت، ب) رشد تدریجی سطح فکر مردم، ج) تحریف در تعالیم پیامبران پیشین. دقت شود که آمادگی بشر برای دریافت برنامه کامل، از عوامل ختم نبوت است. (هنر ۹۹)

۶۷ (۲)

یکی از احکام اجتماعی متعدد قرآن کریم، عدالت اجتماعی است که جز با نظام حکومتی اسلامی برقرار نمی‌شود. عدالت اجتماعی در آیه شریفه ﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ﴾ مفید این معنی است. (هنر ۹۹)

۶۸ (۴)

رسول خدا(ص) برای بسته نشدن راه هدایت به روی مشرکان، در جنگ‌ها به مسلمانان سفارش می‌کرد که پیران، زنان و کودکان را نکشید و این سفارش، بیانگر سخت‌کوشی و دلسوزی پیامبر در هدایت مردم است.

رسول خدا(ص) برای محبت و مدارا با مردم به آنان می‌فرمود: «بدی‌های یکدیگر را پیش من بازگو نکنید؛ زیرا دوست دارم با دلی پاک و خالی از کدورت با شما معاشرت کنم.»

حضرت علی(ع) در توصیف سخت‌کوشی و دلسوزی پیامبر در هدایت مردم، رسول خدا را به طبیب سیار تشبیه می‌نمود که خود به سراغ مردم می‌رفت و با داروهای خویش، بیماران سرگشته را درمان می‌کرد. (هنر ۹۹)

۶۹ (۴)

انسان منتظر و مشتاق امام زمان(عج)، نجوای انتظار خود را این‌گونه با ایشان مطرح می‌سازد: «او منتظر است تا که ما برگردیم / ما مییم که در غیبت کبری ماندیم.»

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) بیانگر عدم آمادگی فرد و جامعه برای ظهور است.

۲) بیانگر بی‌نظیر بودن خدا و اصل توحید و یگانگی است.

۳) بیانگر فقر موجودات در وجود خود به خداست. (هنر ۹۹)

۷۰ (۳)

بیت «دوست نزدیک‌تر از من به من است / وین عجب‌تر که من از وی دورم»، احساس خدایابی و سرشت خداآشنا و فطرت خداجوی انسان را تأکید می‌نماید. حضرت علی(ع) نیز در حدیث «ما رأيتُ شيئاً أَلَا و رأيتُ اللّهَ قِبَلَهُ وَ بَعْدَهُ وَ مَعَهُ»: «هیچ چیزی را مشاهده نکردم، مگر اینکه خدا را قبل از آن، بعد از آن و با آن دیدم.» به سرشت خداآشنا (فطرت) اشاره نموده است. (هنر ۹۹)

۷۱ (۳)

شخصیت ناپایدار و درونی ناآرام، نتیجه شرک عملی در بعد فردی است. آنگاه که انسان، دل به هوای نفس سپارد و تسلیم تمایلات نفسانی خود باشد، چنین شخصیتی پیدا می‌کند و مصداق آیه ﴿أَزَّيَّتْ مِنَ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ أَفَأَنْتَ تَكُونُ عَلَيْهِ وَكَيْلًا﴾ خواهد بود. (هنر ۹۹)

۷۲ (۳)

دامی که شیطان برای حضرت یوسف(ع) به واسطه زلیخا (همسر عزیز مصر) گسترده بود، دعوت به رابطه نامشروع جنسی بود و آن حضرت که با بندگی خالصانه و روی آوردن به پیشگاه خدا به مقام مخلصین و نفوذناپذیری در برابر وسوسه‌های شیطان رسیده بود، در برابر تهدید زلیخا به زندانی شدن و خواری، مقاومت کرد: ﴿وَلَيْنَ لَمْ يَفْعَلْ مَا أَمَرَهُ لَيُسْجَنَنَّ وَ لَيَكُونًا مِنَ الصَّغِيرِينَ﴾. (هنر ۹۹)

۷۳ (۱)

با توجه به آیه شریفه ﴿وَوَيْلٌ لِّلنَّاسِ وَ مَا سَوَّاهَا فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا﴾: «سوگند به نفس و آنکه سامانش بخشید آن‌گاه بدکاری و تقوایش را به او الهام کرد» انسان در میان بدکاری و تقوا از اختیار برخوردار است و لذا با شعر «این‌که فردا این کنم یا آن کنم / خود دلیل اختیار است ای صنم» که درباره اختیار انسان در انتخاب دو مسیر گناه و تقوا است» ارتباط مفهومی دارد. (انسانی ۹۹ نظام قریم منطق بر نظام مدرن - تغییر هنری)

۷۴ (۲)

زندگی دینی، روشی مطمئن است که بر پایه تقوا و خشنودی خدا بنا شده است. تکیه بر دستورات و احکام خداوند و اعتماد به دستورات او، هرگونه نگرانی نسبت به آینده را از بین می‌برد و در آیه ﴿أَفَمَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَى تَقْوَى مِنَ اللَّهِ وَ رِضْوَانٍ خَيْرٍ أَمْ مَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَى شَفَا جُرُفٍ هَارٍ فَانِهَارٍ بِهِ فِي نَارٍ جَهَنَّمَ وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾، به این سبک زندگی اشاره شده است. (هنر ۹۹)

۷۵ (۴)

خداوند به کسانی که با حق، لجاجت و دشمنی کنند و از راه باطل خود خرسند باشند، مهلت می‌دهد و آن‌ها از این فرصت‌ها و امکانات جهت غوطه‌ور شدن در تاریکی و افزایش گناه، سوءاستفاده می‌کنند. در حقیقت مهلت‌ها و امکانات با اختیار و اراده خودشان به صورت بلای الهی جلوه‌گر می‌شود و به شقاوت ابدی می‌انجامد. (تغییر کلی)

جهانی شدن بیشتر جنبه‌های زندگی‌های ما را تحت تأثیر قرار داده است. یک عرصه که تغییر کرده آموزش است. افراد بیشتر و بیشتری برای تحصیلاتشان به کشورهای مختلف نقل مکان می‌کنند. در همین حال، افراد بیشتری در خانه می‌مانند و با آموزش از راه دور تحصیل می‌کنند. اکنون ساده است که بدون رفتن به کالج یا دانشگاه، یا رفتن کمتر، آموزش دید.

«آموزش ممزوج» به معنای تحصیل کردن، بخشی به شیوه سنتی در کلاس درس و بخشی [به صورت] آنلاین یا از طریق ایمیل است. این تغییرات همچنین به این معناست که اکنون تمایل بیشتری به «آموختن در طول زندگی» وجود دارد، این ایده که به آموختن در تمام مدت زندگی کاری خود و حتی تا در بازنشستگی ادامه دهیم. شرکت کردن در «وبینارها» یا سمینارهای آنلاین بدون دور بودن از دفاتر کارمان ساده است. بسیاری از بزرگسالان بعداً در زندگی به کالج برمی‌گردند چرا که گرفتن یک مدرک بدون رها کردن شغل یا مختل کردن زندگی خانوادگی آسان است.

۸۸ (۲) ۱) فعالیت، کار ۲) فاصله، مسافت ۳) ترکیب ۴) دستاورد، موفقیت (هنر ۹۹)

توضیح: آموزش از راه دور: distance learning

۸۹ (۳) توضیح: صفت "easy" از جمله صفاتی است که پس از آن‌ها فعل را به مصدر با to تبدیل می‌کنیم. ساختار کلی جملاتی نظیر این به صورت

... + مصدر با to + (مفعول + for) + صفت + فعل [It + to] است. (هنر ۹۹)

۹۰ (۳) ۱) مراسم؛ جشن ۲) کودکی ۳) بازنشستگی ۴) تفریح، سرگرمی (هنر ۹۹)

۹۱ (۱) ۱) بدون ۲) برای ۳) توسط، با ۴) از (هنر ۹۹)

۹۲ (۱) ۱) رها کردن؛ (سیگار و غیره) ترک کردن ۲) برگشتن، چرخیدن؛ برگرداندن، چرخاندن

۳) متوجه ... شدن ۴) در ... شرکت کردن (هنر ۹۹)

این لزوماً درست نیست که هر قدر طولانی‌تر مطالعه کنید، شانس شما برای گرفتن نمره‌ای بالا در یک آزمون بیشتر است. زمان به تنهایی موفقیت شما را تضمین نمی‌کند. شما باید به طور مؤثر مطالعه کنید، [به گونه‌ای که] بهترین استفاده را از زمان خود داشته باشید. اولاً، قبل از یک امتحان با معلم خود صحبت کنید. به جای پرسیدن «در امتحان چه [سوالاتی] هست؟» می‌توانید راهنمایی‌هایی بخواهید راجع به [این که] چه موضوعاتی پوشش داده خواهند شد و چگونه می‌توانید به بهترین نحو آماده شوید. این اطلاعات هدفی برای مطالعه شما فراهم می‌کند. سپس جایی برای مطالعه پیدا کنید که [در آن] بیدار و بدون مزاحمت خواهید ماند؛ میزی در یک کتابخانه بهتر از تخت‌خوابی کنار تلویزیون است. بعد با در نظر داشتن هدفتان، یادداشت‌های کلاسیتان، بخش‌های کتاب درسی و مطالب دیگر را دوباره بخوانید. زیر اطلاعات کلیدی خط بکشید و نکاتی را که نمی‌فهمید علامت بگذارید. وقتی این مرور را به پایان رساندید، به این نکات برگردید و سعی کنید به آن‌ها پاسخ دهید. از هر خلاصه فصل یا مطلب مروری که در دست هست، استفاده کنید. در پایان، اگر معلم سوالات نمونه امتحان در اختیار قرار داده، یا اگر پرسش‌های دوره‌ای در کتاب درسی موجود است، سعی کنید به آن‌ها پاسخ دهید. آن‌ها به شما کمک خواهند کرد که یک بررسی نهایی از آمادگی خود برای آزمون انجام دهید.

۹۳ (۴) متن عمدتاً چه چیزی را مطرح می‌کند؟

۱) اهمیت امتحانات در موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان

۳) نقش معلم در عملکرد امتحانی دانش‌آموزان ۴) راه آماده‌شدن به بهترین نحو برای آزمون‌ها (هنر ۹۹)

۹۴ (۲) کدام یک از موارد زیر به بهترین نحو ساختار اطلاعات را در متن توصیف می‌کند؟

۱) هدفی قرار داده شده و تأثیرات آن یکی پس از دیگری توصیف شده است.

۲) رویکردی معرفی شده و گام‌های مربوط به آن نام برده شده است.

۳) ادعایی مطرح شده و شواهدی ارائه شده تا نشان دهد که این ادعا اشتباه است.

۴) مشکلی مورد اشاره قرار گرفته و راه‌حل‌های احتمالی برای خلاص شدن از آن فهرست شده است. (هنر ۹۹)

۹۵ (۱) متن گویای آن است که وقتی زمان امتحان نزدیک است اگر دانش‌آموزی از معلمش بپرسد [که] «در امتحان چه [سوالاتی] هست؟» آن دانش‌آموز

۱) در مسیر اشتباه قرار دارد ۲) نشان می‌دهد که مضطرب است

۳) پاسخی دریافت نخواهد کرد ۴) معلم را ناامید می‌کند (هنر ۹۹)

۹۶ (۴) عبارت «این نکات» در متن به نکاتی اشاره دارد [که]

۱) در اطلاعات کلیدی گنجانده شده است ۲) فرد نتوانسته نگاهی [به آن‌ها] بیندازد

۳) از مطالبی غیر از مطالب کلاسی [است] ۴) فرد نتوانسته بفهمد (هنر ۹۹)